

تفسیر سوم کتاب (9 تفسیر)

آیا یوگوسلاوی

کشور سوسیالیستی است ؟

سومین تفسیر از نامه سرگشاده کمیته مرکزی

حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیات تحریریه روزنامه " وان مین پیانو " (مردم)

هیئت تحریریه مجله " خون چي " (پرچم سرخ)

(26 ماه سپتامبر سال 1963)

اداره نشرات زبانهای خارجی پکن 1963

آیا یوگوسلاوی کشور سوسیالیستی است؟

این مسئله نه تنها مسئله درباره قضاوت خصوصیت کشور یوگوسلاوی است ، بلکه بدان مربوط است که کشور های سوسیالیستی سرانجام باید در چه راهی بروند : در راه انقلاب اکتبر انقلاب سوسیالیستی را تا به آخر برسانند و یا در راه یوگوسلاوی احیاء کاپیتالیسم را عملی سازند . این مسئله همچنین بدان مربوط است که سرانجام باید دارودسته تیتو را چه محسوب داشت : حزب برادر و نیروی ضد امپریالیستی و یا خائن به جنبش بین المللی کمونیستی و سگ زنجیری امپریالیسم .

در این مسئله اختلافات اصلی بین رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با ماو کلیه مارکسیست – لنینیستهای سراسر جهان وجود دارد . مارکسیست – لنینیستهای سراسر جهان معتقدند که یوگوسلاوی یک کشور سوسیالیستی نیست . گروه رهبری اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی به مارکسیزم – لنینیسم و به مردم یوگوسلاوی خیانت کرده ، خائن به جنبش بین المللی کمونیستی و سگ زنجیری امپریالیسم می باشد .

ولی رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی معتقد است که یوگوسلاوی یک کشور سوسیالیستی میباشد و اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی بر پایه مارکسیزم – لنینیسم قرار دارد و یکی از اعضای احزاب برادر و نیروی ضد امپریالیستی میباشد .

در نامه سرگشاده 14 ژوئیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام گردیده است که یوگوسلاوی " کشور سوسیالیستی " میباشد و همچنین اعلام شده است که گویا دارو دسته تیتو " حزب برادر است که زمام رهبری دولتی را در دست دارد " . چندی پیش رفیق خروشف از یوگوسلاوی دیدن کرده و بیانات زیادی ایراد نمود . او پارچه ستر عورت خود را در این مسئله بکلی بدور انداخته و بدین ترتیب نقطه نظر واقعی آنان را با زهم روشنتر ظاهر ساخته است .

بنظر خروشف در واقع یوگوسلاوی نه تنها یک کشور سوسیالیستی است بلکه هم یک کشور سوسیالیستی " پیشرو " میباشد . در آنجا نه اینکه " به عبارت پردازی های در مورد انقلاب " پرداخته میشود بلکه " ساختمان مشخص سوسیالیسم در جریان است و " پیشرفت " یوگوسلاوی " خدمات مشخصی در راه جنبش کارگری انقلابی بین المللی عمومی " است که شایسته غبطه و سرمشق خروشف میباشد .

بنظر خروشف در واقع رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با دارودسته تیتو " نه تنها برادران همطبقه هستند " بلکه " برادرانند که با هدف واحدی که در مقابل آنها قرار دارد ، بهم مربوطند " . رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی " متفق اطمینان بخش و وفادار " دارودسته تیتو میباشد .

بنظر خروشف در واقع او از دارودسته تیتو " مارکسیزم - لنینیسم " واقعی را پیدا کرده است . این تنها برای ظاهر سازی است که نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشته است گویا " بین حزب کمونیست اتحاد شوروی و اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی در مورد بعضی مسائل ایدئولوژی که دارای جنبه اصولی است همچنان اختلافاتی وجود دارد " اکنون خروشف به دارودسته تیتو میگوید : " ما متعلق به یک ایده واحد هستیم و یک تئوری واحد را رهنمون خود قرار میدهیم " و هر دو متکی بر اساس " مارکسیزم - لنینیسم " میباشند .

خروشف مدتی است که اعلامیه سال 1960 را هزاران فرسنگ بدور انداخته است .

در اعلامیه گفته میشود : " احزاب کمونیست متفقا اپورتونیسم بین المللی از نوع یوگوسلاوی را که ملخص " تئوری های " رویزیونیستهای معاصر است محکوم کردند " .

در اعلامیه گفته میشود : " رهبران اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی با خیانت به مارکسیزم - لنینیسم که آنها کهنه شده اعلام داشتند ، برنامه رویزیونیستی ضد لنینی خود را در برابر بیانیه سال 1957 و اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی را در مقابل تمام جنبش بین المللی کمونیستی قرار دادند " .

در اعلامیه گفته میشود که رهبران اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی خود را " تابع باصطلاح " کمک " امپریالیستهای امریکائی و دیگر امپریالیستها ساخته و بدین وسیله خطر از دست دادن کامیابیهای انقلاب را که با مبارزه قهرمانانه خلق یوگوسلاوی بدست آمده است فراهم آوردند . "

در اعلامیه باز هم نوشته میشود : " رویزیونیستهای یوگوسلاوی فعالیت " مخربی را علیه اردوگاه سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی دنبال میکنند " و " فعالیت پر دامنه ای بخرج میدهد که مضر به امر همبستگی کلیه نیروها و دولتهای شیفته صلح است " .

در این مورد در اعلامیه با کمال وضوح گفته شده است . ولی رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی حتی اظهار داشتند : " بنابراین اعلامیه سال 1960 ما معتقدیم که یوگوسلاوی کشور سوسیالیستی است " ، چگونه میتوان چنین حرف را بر زبان جاری ساخت ! اجازه بدهید سؤال کنیم :

آیا ممکن است یک چنین " کشور سوسیالیستی " وجود داشته باشد که تحت رهنمود " تئوری های " رویزیونیسم معاصر از نوع اپورتونیسم بین المللی که در اعلامیه گفته شده قرار داشته باشد ؟

آیا ممکن است یک چنین " کشور سوسیالیستی " وجود داشته باشد که همانطوریکه در اعلامیه گفته شده است با خیانت به مارکسیزم - لنینیسم خود را در مقابل تمام جنبش بین المللی کمونیستی قرار دهد ؟

آیا ممکن است یک چنین " کشور سوسیالیستی " وجود داشته باشد که همانطوریکه در اعلامیه خاطر نشان شده است به فعالیت های خرابکارانه علیه اردوگاه سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی دست بزند ؟

آیا ممکن است یک چنین " کشور سوسیالیستی " وجود داشته باشد که طبق مندرجات اعلامیه فعالیتهای مضر به امر همبستگی کلیه نیروها و دولتهای شیفته صلح بخرج دهد ؟

آیا ممکن است یک چنین " کشور سوسیالیستی " وجود داشته باشد که کشورهای امپریالیستی به سرمداری ایالات متحده امریکا برای پرورش آن میلیارد ها دالر خرج کند ؟

این واقعا امر عجیب و غریبی است که تاکنون شنیده نشده است .

بنظر میرسد که رفیق تولیاتی از رفیق خروشف روشنتر گفته است . تولیاتی صریحا اظهار داشت که موضع متخذه اعلامیه سال 1960 نسبت به دارودسته تیتو " ناصحیح " است . خروشف مادامی که بایک دل و یک جان میخواهد حیثیت دارودسته تیتو را اعاده کند ، باید صریح تر باشد و بهیچوجه لازم نیست که بنحو دورویانه از اعلامیه دفاع نماید .

آیا بالاخره نتیجه گیری اعلامیه در مورد مسئله یوگوسلاوی اشتباه بوده است یا نه و باید آنها لغو کرد یا نه ؟ تولیاتی گفت : اشتباه بوده است و باید آنها لغو کرد . خروشف در واقع نیز میگوید : اشتباه بوده است و باید آنها لغو نمود . ما میگوئیم : اشتباه نبوده است و بهیچوجه

رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی معتقدند که این عمل ما پافشاری روی " فرمول بندی جامد "، پافشاری روی " قانون حیوانی جهان سرمایه داری " بوده و میخواید " یوگوسلاوی راز سوسیالیزم " اخراج کند ، " . آنها همچنین معتقدند که هرکسی که عقیده مند باشد که یوگوسلاوی کشور سوسیالیستی نیست، چنین شخصی " واقعیات رانادیده گرفته " و دچار اشتباه " سوبژکتیویستی " گردیده است . ولی برعکس آنها چشم خود را بهم گذاشته و مدعی هستند که یوگوسلاوی کشور سوسیالیستی است ، گوئی این استنتاج ناشی از " قوانین عینی و آموزش مارکسیزم – لنینیسم " و " تجزیه و تحلیل عمیق واقعیات " است .

وضع واقعی یوگوسلاوی بالاخره چطور است ؟ بالاخره در نتیجه تجزیه و تحلیل عمیق وضع حقیقی یوگوسلاوی برحسب قانونمندی عینی و آموزش مارکسیزم – لنینیسم باید چه نتیجه گیری کرد ؟

اینک ما در مورد این مسئله به بحث میپردازیم .

رشد و توسعه سرمایه داری خصوصی

در شهرهای یوگوسلاوی

یکی از چیزهایی که خروشف بعنوان دلیل برای اثبات آنکه یوگوسلاوی کشور سوسیالیستی است ذکر میکند ، اینست که گویا در یوگوسلاوی سرمایه خصوصی ، مؤسسات خصوصی و سرمایه دار وجود ندارد .

آیا واقعیات امر چنین است ؟ خیر .

واقعیات حاکی از آنستکه در یوگوسلاوی بمقدار زیادی سرمایه خصوصی و مؤسسات خصوصی وجود دارد و سرعت هم رشد میکند . طبق اوضاع عمومی رشد کشور های سوسیالیستی طی دوران نسبتاً طولانی پس از آنکه پرولتاریا حکومت را بدست گرفت ، اقتصادیات ملی این کشورها شامل قسمتهای گوناگون خواهد بود از آن جمله قسمت سرمایه داری خصوصی و این بهیچوجه تعجب آور نیست . اما تمام شگرف کار در اینست که حکومت دولتی چه سیاستی درمورد آن قسمت سرمایه داری خصوصی اتخاذ میکند : سیاست استفاده ، محدود کردن ، اصلاح و از بین بردن و یا سیاست آزادی عمل ، حمایت و تشویق . این محک مهمی است برای تعیین آنکه این یا آن کشور در چه سمتی پیشرفت میکند ، بسوی سوسیالیزم یا بسوی سرمایه داری .

در این مسئله دارودسته تیتو در جهت مغایر با سوسیالیزم حرکت میکند . اصلاحات اجتماعی که در دوران اولیه پس از دومین جنگ جهانی در یوگوسلاوی بعمل آمده در حقیقت ناپیگیر بود . دارودسته تیتو پس از خیانت آشکار بجای سیاست اصلاح و از بین بردن سرمایه داری خصوصی و مؤسسات خصوصی سیاست تشویق و پیشرفت آنها را در پیش گرفت .

در سال 1953 ، دارودسته تیتو مقرراتی منتشر ساخت که طبق آن " گروه های از اتباع " حق دارند " مؤسساتی تاسیس کرده " و " نیروی کارگری استخدام کنند " . در همان سال دارودسته تیتو دستوری صادر کرد که به اشخاص جداگانه حق میدهد وسائل اساسی سازمانهای اقتصادی دولتی را خریداری کند .

در سال 1956 دارودسته تیتو با سیاست مالیاتی و دیگر تدابیر حکومتی محلی را تشویق کرد تا به رشد سرمایه خصوصی کمک کند .

در سال 1961 دارودسته تیتو قرار داد صادر کرد که بموجب آن اشخاص جداگانه حق دارند ارز خارجی بخرند .

در سال 1963 سیاست رشد سرمایه داری خصوصی که دارودسته تیتو اعمال میدارد در قانون اساسی تثبیت گردید . در این قانون اساسی قید شده است که در یوگوسلاوی اشخاص جداگانه میتوانند مؤسسه تاسیس نموده نیروی کارگری استخدام کنند .

مؤسسات خصوصی و سرمایه های خصوصی در شهرهای یوگوسلاوی در پرتو حمایت دارودسته تیتو مانند جوانه های نی خیزران پس از باران بهاری رشد میکند .

طبق مدارك " كتاب جيبي آمار يوغوسلاوي در سال 1963 " كه از طرف مقامات رسمي بلگراد منتشر شده در يوغوسلاوي بيش از 115 هزار مؤسسه خصوصي " صنايع دستي " وجود دارد . در واقع بسياري از صاحبان مؤسسات خصوصي عملا " صنعتگر " نبوده بلكه سرمايه داران تمام عياري ميباشند .

بطوريكه دارودسته تيتو خود معترفند با اينكه صاحبان مؤسسات خصوصي قانونا حق دارند حد اكثر 5 نفر كارگر استخدام كنند ، معذلك برخي از آنها بيش از 10 وحتى بيش از 20 برابر آن كارگر استخدام کرده اند و كار فرماياني هم هستند كه حتي 500 تا 600 نفر كارگر در اختيار دارند . (1) سرمايه گردان ساليانه بعضي از مؤسسات خصوصي به بيش از 100 ميليون دينار ميرسد . (2)

7 دسامبر سال 1961 روزنامه " پوليتيكا " چاپ يوغوسلاوي خبري درج كرد كه از آن استنتاج ميشود كه كار فرمايان آن مؤسسات خصوصي اغلب " صاحبان مؤسسات بزرگي هستند " . همين روزنامه مينويسد: " تعيين ميزان گسترش شبكه اين كار فرمايان وعده اي كارگراني كه دارا ميباشند ، مشكل است طبق قانون آنها حق دارند 5 نفر كارگر براي كمك به خود در كار در اختيار داشته باشند . ولي بطوريكه اشخاص مطلع ميگويند كه اين 5 نفر در واقع 5 نفر مقاطعه كار هستند كه به نوبه خود تعدادي مقاطعه كار كوچك زير دست خود دارند " . " اين مقاطعه كاران اكثرا ديگر كار نميكنند فقط فرمان داده برنامه تدوين کرده وبا اتومبيل از يك مؤسسه به مؤسسه ديگر رفته و قرارداد ميبندند " .

از مقدار سودي كه اين كار فرمايان بدست ميآورند ، نيز ميتوان مشاهده كرد كه آنان به تمام معني سرمايه دار ميباشند . روزنامه " سوت " چاپ يوغوسلاوي در شماره 8 دسامبر سال 1961 خود نوشت : " مقدار درآمد خالص ماهيانه بعضي از صنعتگران به يك ميليون دينار ميرسد " . روزنامه " اخبار عصر " بلگراد نيز در شماره 20 دسامبر سال 1961 خود يادآور شد كه در بلگراد " 116 نفر از صاحبان مؤسسات خصوصي سال گذشته درآمدي به ميزان بيش از 10 ميليون دينار بدست آوردند " ويكي از صاحبان مؤسسات در عرض يك سال " درآمدي به مبلغ قريب 70 ميليون دينار " داشته است كه طبق نرخ رسمي تقريبا معادل 100 هزار دلار ميباشد .

شهرهاي يوغوسلاوي نه تنها داراي مؤسسات صنعتي خصوصي ، مؤسسات خدمات اجتماعي خصوصي ، بازارگاني خصوصي ، خانه هاي اجاره اي خصوصي ، حمل و نقل خصوصي است بلكه رباخواران هم دارد كه " بانكداران خصوصي " ناميده ميشوند . اين رباخواران علنا مشغول كار خود هستند وحتى در روزنامه ها آگهي هاي درج ميكنند از اين قبيل : در برابر رهن 300 هزار دينار براي مدت سه ماه قرض داده ميشود كه در پايان مدت 400 هزار دينار پس داده ميشود . (3) همه اينها واقعيات انكار ناپذيري است .

اجازه دهيد از آنها كه قصدا تلاش در اعاده حيثيت دارودسته تيتو دارند ، سؤال شود ، اگر شما عالمو عامدانميخواهيد مردم را فريب دهيد ، پس چطور شما ميتوانيد ادعا كنيد كه گويا در يوغوسلاوي سرمايه خصوصي نيست ، مؤسسات خصوصي نيست و سرمايه دار وجود ندارد؟

1 - رجوع به مقاله " مبارزه در دوجبهه " بقلم م . تودروبيچي از شماره مارس سال 1954 مجله " وضع واقعي ما " چاپ يوغوسلاوي .

2 - الف - (رجوع به روزنامه " ووسنيك و سردو " چاپ يوغوسلاوي مورخه 27 ماه دسامبر سال 1961 .

ب) 750 دينار معادل 1 دلار : 303 دينار معادل 1 يوان .

3- رجوع به روزنامه " ووسنيك و سردو " چاپ يوغوسلاوي ، مورخه 6 دسامبر سال 1961 .

رشد وتوسعه فوق العاده سرمايه داري

در دهات يوغوسلاوي

اکنون به بينيم در دهات يوغوسلاوي وضع از چه قرار است . آيا واقعا همانطوريكه خروشف مدعي است در يوغوسلاوي ديگر سرمايه دار وجود ندارد ؟

خير ، واقعيات كاملا خلاف اين را ثابت ميكند .

رشد وتوسعه فوق العاده سرمايه داري يوغوسلاوي روشن تر در دهات بچشم ميخورد .

مارکسیزم - لنینیسم بما میآموزد که اقتصاد فردي ، اقتصاد تولید کننده خرده پا هر روز و هرساعت سرمایه داري بوجود میآورد فقط کلکتیوي کردن کشاورزي میتواند اقتصاد کشاورزي رابراه رشد سوسیالیستی سوق دهد .

استالین خاطر نشان ساخت که " لنین میگفت که تا وقتیکه در کشور اقتصاد فردي دهقانی که سرمایه دار و سرمایه داري بوجود میآورد ، برتري دارد . خطر بازگشت سرمایه داري نیز موجود خواهد بود . واضح است تاوقتیکه این چنین خطر وجود دارد ، نمیتوان بطور جدی از پیروزي ساختمان سوسیالیستی در کشور ما سخن گفت " . (" کلیات استالین " ، جلد 11 ، صفحه 9 چاپ روسی)

دارودسته تیتو در این مسئله درست خط مشی مغایر سوسیالیسم را انتخاب کرده اند .

راست است که در دوران اولیه پس از دومین جنگ جهانی در یوگوسلاوي اصلاحات ارضی انجام گرفت و تعداد معینی کئوپراتیوهای کار دهقانی تشکیل گردید ، ولی به اقتصاد دهقانان مرفه الحال اساسا دست زده نشد .

از سال 1951 دارودسته تیتو آشکارا اعلام داشتند از کلکتیوي کردن اقتصاد کشاورزي دست میکشند و شروع به انحلال کئوپراتیوهای کار دهقانی میکنند . این يك گام جدی بود که دارودسته تیتو در خیانت به امر سوسیالیسم بر داشتند . تا اواخر سال 1953 تعداد کئوپراتیو های که در سال 1950 به بیش از 6900 رسیده بود ، به قریب 1200 تنزل کرد و در اواخر سال 1960 تعدادش به 147 تقلیل یافت . دهات یوگوسلاوي اقیانوس بیکران اقتصاد فردي است .

دارودسته تیتو آشکارا اعلام میدارند که در یوگوسلاوي کلکتیوي کردن حقانیت خود را ثابت نکرد . آنها کین توزانه کلکتیوي کردن را منم میکنند که گویا " کلکتیوي کردن چیزی جز مصادره کردن نیست " ، (1) گویا کلکتیوي کردن - راهی است بسوي " حفظ رژیم وابستگی به زمین و فقر دهقانان برای مدتی بس طولانی " . (2) آنها با عقاید سفسطه گرانه ای از " لزوم مبنی کردن رشد اقتصاد کشاورزي و بر پایه مسابقات آزاد نیروهای اقتصادی هواداری میکنند " . (3)

دارودسته تیتو ضمن انحلال دسته جمعی کئوپراتیو های دهقانی بمنظور تشویق رشد سرمایه داري در دهات از سال 1953 ، يك سلسله قوانین و مقرراتی یکی پس از دیگری وضع کرد که بموجب آن قوانین و مقررات آزادانه دردهات زمین خرید و فروش میشد و آزادانه بهره مالکانه زمین دریافت میگردد و آزادانه از نیروهای کار استفاده میشد و همچنین سیستم خریداری محصولات کشاورزي طبق نقشه لغو میگردد و معاملات آزاد محصولات کشاورزي مجاز شمرده میشد .

در نتیجه اجرای چنین سیاستی نیروهای سرمایه داري در دهات بسرعت توسعه یافت و قطب بندی شدن دهقانان روز بروز شدت گرفت . چنین است یکی از جنبه های مهم اقدامات دارودسته تیتو در احیاء کاپیتالیزم .

قطب بندی شدن دهقانان قبل از هر چیز در تغییر تملک زمین دیده میشود . کمار دبیر سابق امور کشاورزي و جنگل بانی یوگوسلاوي اعتراف کرد که در سال 1959 در دهات یوگوسلاوي خانوارهای فقیر دهقانی که دارای ارضی بمساحت کمتر از 5 هکتار میباشد 70 درصد تعداد عمومی خانوار های دهقانی را تشکیل میدهند و مساحت ارضی زیر کشت آنها تنها 43 درصد مساحت تمام ارضی مزروعی میباشد که در مالکیت خصوصی است . خانوار های مرفه که دارای بیش از 8 هکتار زمین میباشد فقط 13 درصد تعداد عمومی خانوار های دهقانی را تشکیل میدهند . ولی مساحت ارضی مزروعی آنها 33 درصد مساحت تمام ارضی مزروعی خصوصی میباشد . کمار همچنین اعتراف کرد که قریب 10 درصد خانوار های دهقانی هر ساله مشغول خرید و فروش زمین هستند . (4) اکثریت خانوار های دهقانی که ارضی خود را میفروشند ، خانوار های تهی دست میباشد .

1 - از نطق افتتاحیه ادوارد کاردل در نهمین پلنوم چهارمین دوره اجلاس کمیته اتحاد سوسیالیستی زحمتکشان یوگوسلاوي در روز 5 ماه مه سال 1959 .

2 - از سخنرانی ولادیمیر با کویچ در ششمین کنگره اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوي .

3 - رجوع به مقاله " در باره بعضی مسائل از سیاست کشور ما در روستا " بقلم ادوارد کاردل از شماره چهارم مجله " کمونیست " سال 1954 یوگوسلاوي .

4 - الف (رجوع به مقاله " در مورد بعضی مسائل مربوط به ده و خانوار های دهقانی " ، بقلم اسلاوکو کمار از شماره پنجم مجله " سوسیالیسم " سال 1962 یوگوسلاوي .

ب) دبیر امور کشاورزي و جنگلانی به وزیر امور کشاورزي و جنگلانی اطلاق میشود .

درحقیقت وضع تمرکز زمین بمراتب جدي تر از آن است که فوقا ذکر شد. بطوریکه 19 ژوئیه سال 1963 روزنامه "بربا" بلندگوي دارودسته تیتو خبر داد که دریکی از شهرستانها " هزاران خانوار دهقاني وجود دارد که صاحب بیش از 10 هکتار زمینند که بمراتب بیش از حد نصابی میباشند که قانون تعیین کرده است " معلوم شده است که " در ناحیه بی یه لین 500 خانوار دهقاني از 10 تا 30 هکتار زمین دارند ". این پدیده ها بهیچوجه منحصر بفرد نیست.

قطب بندی شدن دهقانان همچنین در تفاوت شدید تملك حیوانات کار و وسائل کشاورزي دیده میشود. در ناحیه خود مختار وبه ودینا که ناحیه اصلی غله خیز است و 308 هزار خانوار دهقاني دارد، 55 درصد خانوارها فاقد حیوانات کار میباشند. خانوارهاي دهقاني که کمتر از دو هکتار زمین دارند 40/7 درصد تمام خانوارهاي دهقاني این ناحیه را تشکیل میدهد، در صورتیکه از تمام وسائل شخم فقط 4/4 درصدش در اختیار آنهاست یعنی بطور متوسط هر 20 خانوار يك خیش دارند. دهقانان مرفه الحال این ناحیه نه تنها دارای تعداد زیادی گاوآهن و عرابه با حیوانات کار میباشند بلکه بیش از هزار و 300 دستگاه تراکتور و تعداد بسیار زیادی ماشین آلات کشاورزي دیگر دارا میباشند. (1)

قطب بندی شدن دهقانان همچنین در پیشرفت رژیم کارمزدی و دیگر اشکال استثمار سرمایه داری دیده میشود.

شماره 7 فوریه سال 1958 هفته نامه "کمونیست" چاپ یوگوسلاوي خبر داد که در سال 1956 در ناحیه سربی 52 درصد خانوارهاي دهقاني که دارای بیش از 8 هکتار زمین میباشند، از کارمزدی استفاده میکنند.

در سال 1962 کماریادآور شد که طی سالهای اخیر برخی از سران خانوارهاي دهقاني "بیش از پیش مقتدر شده و سرچشمه درآمد شان نتیجه کار شخصی آنان نبوده بلکه در نتیجه عوامل زیر است: معاملات نامشروع، ساختن مصنوعات، نه تنها با استفاده از مواد اولیه متعلق خود بلکه هم با استفاده از محصولات دیگران، شراب سازی غیرقانونی، گذشتن از حدنصاب تملك زمین یعنی 10 هکتار که از طریق خرید و یا اکثرا اجاره اراضی، تقسیمات قلابی، به چنگ آوردن و یا اختفای اراضی عمومی بدست آورده اند و همچنین در نتیجه خریدن تراکتور از طریق احتکار و استثمار همسایگان فقیر خود از راه کشت زمین آنها با ماشین خود". (2)

30 اوت سال 1962 روزنامه "بربا" نوشت: این باصطلاح "تولیدکنندگان نیکوکار" اشخاصی هستند که زمین دیگران را اجاره نموده، نیروی کار را استخدام میکنند همچنین بازارگانان کار کشته ای میباشند. " آنها تولیدکننده نبوده بلکه کار فرما هستند. برخی از آنان تمام سال دست به بیل نمیزنند. آنها نیروی کار را استخدام میکنند و خود فقط به سرکشی کشتزارها پرداخته و به امر خرید و فروش مشغول اند".

در دهات یوگوسلاوي رباخواران دیوانه و ارو بشدت فعالیت میکنند و اکثر اوقات در صدوحتی بیش از آن ربح میگیرند. به علاوه در آنجا باصطلاح دادوستد کنندگان نیروی کار هستند که از وضع سخت بیکاران استفاده کرده و از راه میانجیگیری آنها را استثمار میکنند.

عده کثیر دهقانان تهی دست که از زمین و دیگر وسایل تولیدی محروم گردیده اند، ناچار اند نیروی کار خود را بفروشنند تا بتوانند امرار معاش کنند. طبق مدارکی که روزنامه "پولیتیکا" 20 ماه اوت سال 1962 منتشر ساخت، در سال 1961 خانوارهاي روستایی یوگوسلاوي که کمتر از 2 هکتار زمین داشته اند، قریب 70 درصد درآمد پولی خود را به حساب فروش نیروی کار خود بدست آورده اند. آنان در معرض استثمار شدیدی قرار داشتند و زندگی طاقت فرسای دارند.

واقعیات حاکی از آن است که در دهات یوگوسلاوي طبقات استثمار کننده موقعیت حاکم دارند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروي کوشیده است طی نامه سر گشاده خود ثابت کند که یوگوسلاوي کشور سوسیالیستی است و مدعی شده است که در اقتصاد کشاورزي یوگوسلاوي " قسمت سوسیالیستی " از 6 درصد به 15 درصد افزایش یافته است.

جای تاسف است که حتی این ارقام نا چیز را هم نمی توان به قسمت سوسیالیستی نسبت داد.

همین " قسمت سوسیالیستی " که رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروي از آن سخن می گویند و مرکب از 15 درصد می باشد، جز " املاک کشاورزي " و " کتو پراتیوهای کشاورزي نوع عمومی " و سازمانهای کشاورزي دیگری نظیر آنچه که دارو دسته تیتو تاسیس کرده اند، چیز دیگری نیست. ولی به اصطلاح " املاک کشاورزي " در حقیقت فرم سرمایه داری بوده و به اصطلاح "کیو پراتیوهای کشاورزي نوع عمومی " هم سازمان اقتصاد سرمایه داری است که اصولا به عملیات داد و ستد می پردازند. آنها نه تنها به مالکیت خصوصی زمین دست نمی زنند بلکه به طور کلی مشوق رشد اقتصاد کولاکي می باشد.

در کتاب "مسئله کشاورزی در یوگوسلاوی" منتشره در بلگراد نوشته می شود: "کوپراتیو ها از نظر اینکه وضع کنونی و نقش آنها چگونه می باشد، به هیچ وجه معرف تجدید سازمان سوسیالیستی اقتصاد کشاورزی

1- رجوع به شماره دوم مجله "ایندیکس" سال 1962 یوگوسلاوی .
2- رجوع به مقاله "بعضی مسایل مربوط به ده و خانوارهای دهقانی" بقلم اسلاوکومار.
و دهات نمی باشند. همانقدر که آنها برای تشکیل پایگاه های سوسیالیستی در دهات کار نمی کنند همانقدر برای رشد و کمک به عوامل سرمایه داری می کوشند. اغلب اتفاق می افتد که این کوپراتیو ها بصورت اتحاد عناصر کولاک در می آیند.
دارو دسته تیتو حق انحصار خرید محصولات کشاورزی از دهقانان را به "کوپراتیو های کشاورزی نوع عمومی" واگذار کرده است.
این باصطلاح "کوپراتیو ها" در عملیات داد و ستد خود با استفاده از این امتیازات و با استفاده از بازی آزادانه در تعیین بهای محصولات کشاورزی مرتکب احتکار کلان شده و در حقیقت دهقانان را استثمار می کنند. در سال 1958 محصولات کشاورزی یوگوسلاوی کاهش یافت. کوپراتیو ها و دیگر سازمان های بازرگانی با استفاده از این فرصت قیمت فروش محصولات کشاورزی را بالا بردند. امادر سال 1959 که رشد محسوسی در محصول مشاهده گردید این کوپراتیو ها بر خلاف قرار داد های که با دهقانان بسته بودند میزان خرید را تقلیل دادند بدون آنکه در نظر گیرند که ممکن است محصول در مزارع فاسد شود.
"کوپراتیو های کشاورزی نوع عمومی" و "املاک کشاورزی" تعداد زیادی کارگر دائمی و موقتی استخدام و آنان را استثمار می کنند. بر حسب پیکره های مندرجه در "آمار سالیانه جمهوری توده ای فدراتیف یوگوسلاوی" چاپ سال 1962 در سال 1961 فقط کوپراتیو های گوناگون بیش از 100 هزار نفر کارگر دائمی را در استخدام خود داشته اند که عده ی کثیری کارگران موقتی در آن بحساب نیامده است. بطوریکه اول ماه دسامبر سال 1962 روزنامه "راد" چاپ یوگوسلاوی اطلاع داد که کارگران مزدور "اغلب مورد خشن ترین استثمار ها قرار می گیرند (روز کار تا 15 ساعت می رسد) و در آمد شخصی آنان اکثرا بسیار ناچیز است".
از این جا دیده می شود که تمام این سازمان های کشاورزی که نشان دهنده به اصطلاح "قسمت سوسیالیستی" می باشند. چیزی جز موسسات کشاورزی سرمایه داری نیستند.
غارت دهقانان فقیر و پیشرفت دادن فورم های کشاورزی کاپیتالیستی، این است سیاست اصلی دارو دسته تیتو در زمینه امور کشاورزی. تیتو در سال 1955 گفته بود: "ما از این فکر ابا نداریم که در یوگوسلاوی روزی برسد که اقتصادیات کوچک کشاورزی به نحوی از انجا متحد گردند... در امریکا اکنون به این هدف رسیده اند. ما باید بکوشیم این مسئله را حل کنیم".
برای پیشرفت بسوی سرمایه داری و دارو دسته تیتو در سال 1959 قانونی بنام "قانون در باره طریق استفاده از اراضی مزروعی" تنظیم کرد. در این قانون پیش بینی شده است که در صورتیکه دهقانان مفرد امکان نداشته باشند طبق مقررات مطلوب روی زمین کارکنند، زمین آنها به "اداره اجباری" کوپراتیوهای کشاورزی نوع عمومی" و یا به "املاک کشاورزی" واگذار خواهد شد این در واقع رشد دادن فورم های کشاورزی کاپیتالیستی از طریق غارت دهقانان فقیر و مصادره جبری اراضی آنها می باشد. این نمونوی ترین راه رشد اقتصاد کشاورزی از طریق سرمایه داری است.
استالین در مورد مسئله گام گذاردن اقتصاد خرده دهقانی به اقتصاد بزرگ کشاورزی می گوید: "در برابر شمدو راه وجود دارد: راه کاپیتالیزم و راه سوسیالیزم راه به جلو بسوی سوسیالیزم و راه به عقب بسوی کاپیتالیزم".
آیا غیر از راه سوسیالیزم و راه کاپیتالیزم راه سومی هم وجود دارد؟ استالین یادآورد می شود: "باصطلاح راه سوم در واقع همان راه دوم یعنی راه بازگشت به کاپیتالیزم است".

"زیرا که بازگشت به اقتصاد فردی و احیاء دهقانان مرفه الحال به چه معنی است؟ این به معنی احیای برده داری دهقانان مرفه الحال، احیاء استثمار دهقانان از طرف دهقانان مرفه الحال و دادن حکومت بدست دهقانان مرفه الحال می باشد. ولی آیا میتوان هم اقتصادیات دهقانان مرفه الحال را احیاء کرده و هم حکومت شوراها را حفظ نمود؟ خیر. به هیچوجه. زیرا که احیاء اقتصاد دهقانان مرفه الحال منجر به تشکیل حکومت دهقانان مرفه الحال و لغو حکومت شوراها خواهد شد و نتیجتاً و بطور مسلم منجر به ایجاد دولت بورژوازی خواهد گردید و ایجاد دولت بورژوازی نیز به نوبه خود منجر به احیاء ملاکین و سرمایه داران و بازگشت کاپیتالیزم میشود." (کلیات استالین "جلد 13

قلب ماهیت اقتصاد سوسیالیستی

مبنتی بر مالکیت عمومی خلق

باقتصاد سرمایه داری

بازگشت سرمایه داری در یوگوسلاوی نه تنها در رشد و توسعه فوق العاده سرمایه داری خصوصی در شهرها و سرمایه داری دردهات هویدا است بلکه مهمتر از آن اینست که هم اکنون مؤسسات "عمومی" که مقام حلاله ای را در اقتصاد یوگوسلاوی دارا میباشند، کاملاً تغییر ماهیت پیدا کرده اند.

اقتصاد دارودسته تیتو که بر باصطلاح "خود مختاری کارگری" بنا نهاده شده یک نوع ویژه کاپیتالیسم دولتی است. این کاپیتالیسم دولتی در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا نیست بلکه کاپیتالیسم دولتی در شرایطی است که دارودسته تیتو دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی بوروکرات کمپرادور تبدیل کرده است. وسایل تولید در مؤسسات "خود مختار کارگری" متعلق به یک یا چند سرمایه دار نیست بلکه در واقع متعلق به بورژوازی بوروکرات کمپرادور تیپ نوین یوگوسلاوی است که نماینده آن دارودسته تیتو میباشد که شامل بوروکراتها و مدیران مؤسسات میگردد این بورژوازی بوروکرات - کمپرادور که با نام دولت خود را استتار کرده و در وابستگی به امپریالیسم امریکا قرار دارد، ملبس به قیای "سوسیالیسم" گردیده ثروتی را که متعلق به زحمتکشانش بود، در دست خود گرفته است. سیستم باصطلاح "خود مختاری کارگری" در حقیقت سیستم استثمار بیرحمانه در تحت سلطه سرمایه بوروکرات - کمپرادور میباشد.

از سال 1950 دارودسته تیتو یک سلسله قوانین و مقرراتی در مورد اجرای باصطلاح "خود مختاری کارگری" در فابریکه ها، معادن، مؤسسات مواصلاتی و حمل و نقل، امور بازرگانی، امور کشاورزی، امور جنگلی، امور نیازمندی های اهالی شهرها و دیگر مؤسسات دولتی صادر کرد. مفهوم اصلی باصطلاح "خود مختاری کارگری" اینست که مؤسسات تحت اداره باصطلاح "گروه های کار" قرار داده شود، به مؤسسات حق داده شود که خود مواد خام خریداری کرده و طبقه بندی و میزان و قیمت کالاهای تولیدی را خود تعیین کنند، فرآورده های خود را در بازار بفروشند و میزان دستمزد را تعیین کرده و قسمتی از بهره را بین خود تقسیم کنند. قوانین یوگوسلاوی همچنین به مؤسسات حق میدهد که بصلاح دید خود وسایل اصلی را خریده و فروخته و یا اجاره نمایند.

دارودسته تیتو شکل مالکیت مؤسسات باصطلاح "خود مختاری کارگری" را باصطلاح "عالیترین شکل مالکیت سوسیالیستی مینامند. آنها مدعی هستند که تنها با اجرای شکل "خود مختاری کارگری" میتوان واقعا سوسیالیسم را ساخت. این صاف و پوست کنده ترین فریب کاری ها است.

همه کسانی که ذره ای به آثار مارکسیستی آشنایی داشته باشند، میدانند که از لحاظ تئوریک شعارهای نظیر "خود مختاری کارگری"، "واگذاری کارخانه ها به کارگران" هرگز شعار مارکسیستی نبوده بلکه شعار سندیکیالیست های هر ج و مرج طلب، شعار سوسیالیسم بورژوازی، شعار اپورتونیستی های کهنه و رویزیونیست های قدیمی میباشد. باصطلاح "تئوری" "خود مختاری کارگری" "واگذاری کارخانه ها بکارگران" باحکام اساسی مارکسیسم در باره سوسیالیسم کاملاً مغایر است و دیر زمانی است که از طرف کلاسیکهای مارکسیسم

انگلس در اثر خود بنام " آنتی دورینگ " خاطر نشان میسازد : " پرولتاریا حکومت دولتی را بدست میگیرد و قبل از هر چیز وسایل تولید را به مالکیت دولتی مبدل میسازد " .

پرولتاریا که حکومت را بدست گرفته است، باید وسایل تولید را در دست حکومت دولتی دیکتاتوری پرولتاریا متمرکز سازد . این یکی از اصول اساسی سوسیالیسم است .

بعد از انقلاب اکتبر در سال های اولیه حکومت شوروی لنین کسانی را که برای " تشکیل مستقیم تولیدات " طرفدار و آگذاری تاسیسات صنعتی در اختیار " تولید کنندگان بودند ، شدیداً تنقید نموده خاطر نشان میساخت که این نظرات ماهیتاً مخالفت با دیکتاتوری پرولتاریا است . لنین خاطر نشان ساخت : " هر اقدامی که حق مالکیت کارگران کارخانه های جداگانه و یا حرفه های جداگانه را بر وسایل تولید خود مستقیماً و یا غیر مستقیم قانونی کند و یا حق آنها را در تضعیف و یا جلوگیری از اختیارات حکومت سراسر کشور محقق سازد ، بزرگترین تعریف در اصول اولیه حکومت شوروی و امتناع کامل از سوسیالیسم میباشد . " (لنین : " درباره دموکراتیزم و جنبه سوسیالیستی حکومت شوروی ") این کلمات لنین چون تیری است که به دل مینشیند نه به گل .

از اینجا مشاهده میشود که باصطلاح " خودمختاری کارگری " هیچوجه تشابهی با سوسیالیسم ندارد . درحقیقت باصطلاح " خودمختاری کارگری " که دارودسته تیتو تبلیغ میکند ، " خود مختاری " حقیقی کارگران نبوده بلکه تنها پرده ایست برای فریب مردم . مؤسسات " خودمختاری کارگری " عملاً در اختیار بورژوازی بوروکرات - کمپرادور تیپ نوین بنماینده دارودسته تیتو قرار دارند . دارودسته تیتو خواه امور مالی و خواه هیئت کارکنان این مؤسسات را تحت کنترل خود داشته قسمت اعظم درآمد آنها را بجیب میزنند . دارودسته تیتو از طریق ادارات بانکی سیستم اعتبارات کشور ، ذخیره سرمایه گذاری و سرمایه گردان مؤسسات و امور دارایی آنها تحت کنترل دارد .

دارودسته تیتو با استفاده از مجاری نظیر مالیات بندی و فرع بندی درآمد مؤسسات را به یغما میبرند . طبق مطالب " گزارش کار شورایی اجراییه جمهوری فدراتیو یوگوسلاوی طی سال 1961 " دارودسته تیتو از این طریق قریب سه چهارم درآمد خالص مؤسسات را جمع کرده است . دارودسته تیتو ثمرات کار مردم را تصاحب کرده و بطور کلی آنها را برای تامین زندگی مرفه این محافل بوروکرات و حفظ سلطه ارتجاعی خود تقویت دستگاه سرکوبی زحمتکشانش صرف میکند و نیز بصورت اقساط وام خارجی و ربح آن به امپریالیسم میپردازد . دارودسته تیتو همچنین همه مؤسسات را از طریق مدیران کنترل میکند . اسما مدیران این مؤسسات از طریق مسابقه انتخاب میشوند ، ولی در حقیقت آنها از طرف دارودسته تیتو منسوب میگردند . آنها در این مؤسسات عامل بورژوازی بوروکرات - کمپرادور میباشند . رابطه و مناسبات بین مدیران و کارگران در مؤسسات باصطلاح " خودمختار کارگری " ماهیتاً مناسبات بین کارفرما و مزدور ، بین استثمارگر و استثمار شونده میباشد .

وضع حقیقی اینست که مدیر حق دارد برنامه تولیدی و سمت فعالیت اقتصادی مؤسسه خود را تعیین کند ، وسایل تولید را در اختیار بگیرد و طرز تقسیم درآمد مؤسسه را تعیین نماید و کارگران را بپذیرد و یا اخراج نماید و همچنین حق دارد تصمیمات " شورایی کارگری " و یا کمیته اداری " را لغو کند .

انبوهی از مطالب مندرجه در مطبوعات یوگوسلاوی نشان میدهد که " شورایی کارگری " تنها برای تامین شکل ظاهری " ماشین رای گیری " است و در مؤسسات " تمام قدرت در دست مدیران " میباشد .

مادام که مدیر مؤسسه وسایل تولید را تحت کنترل و در اختیار دارد و تقسیم درآمد مؤسسه را تعیین و عملی میسازد ، او میتواند با استفاده از حقوق ویژه خود ثمره کارگران را تصاحب کند .

خود دارودسته تیتو اعتراف میکند که در این گونه مؤسسات نه تنها بین حقوق مدیران و دستمزد کارگران تفاوت فاحشی وجود دارد بلکه بین سهم آنها از منافع نیز اختلاف بزرگی موجود است . در برخی از مؤسسات هنگام تقسیم منافع سهم مدیران و کارکنان عالی مقام چهل برابر

مدیران مؤسسات با استفاده از حق ویژه خود به انواع حبله پول های هنگفتی بچیب میزنند . علاوه براین رشوه خواری ، اختلاس و دزدی نیز یکی از منابع بزرگ عواید آنها میباشد .

توده های وسیع کارگران در فقر و تنگدستی بسر میبرند و از لحاظ کار تضمین ندارند . بسیاری از آنان در نتیجه ورشکستگی مؤسسات از کار محروم میگردند . طبق ارقام امار رسمی تعداد بیکاران در فوریه سال 1963 به 339 هزار نفر رسیده است که تقریباً ده درصد عده کل کارگران مشغول کار تولیدی یوگوسلاوی را تشکیل میدهند . هر سال تعداد زیادی از کارگران به خارج کشور مهاجرت میکنند .

روزنامه " پولیتیکا " چاپ یوگوسلاوی در شماره 25 ماه سپتامبر سال 1961 اعتراف کرد : " بین برخی از کارگران و کارمندان ورطه هولناکی وجود دارد . زیرا این کارگران به کارمندان به مثابه ، بوروکراتهای ، که دستمزد آنان را ، میبلعند ؛ مینگردند " .

تمام این واقعیات نشان میدهد که در مؤسسات باصطلاح " خودمختاری کارگری " یوگوسلاوی گروه اجتماعی جدیدی بوجود آمده که اگر چه از لحاظ تعداد به اقلیت هستند ، اما ثمرات کار اکثریت را تصاحب مینمایند . این گروه همان قسمت اصلی از بورژوازی بوروکرات – کمپرادور هست که مجدداً در یوگوسلاوی بوجود آمده است . در نتیجه اجرای باصطلاح " خودمختاری کارگری " دارودسته تیتو مؤسساتی که سابقاً در مالکیت عموم خلق بود ، بکلی از مسیر اقتصاد سوسیالیستی دور گردید . نشانه این امر از اینقرار است :

اول – امتناع از برنامه واحد اقتصاد دولتی .

دوم – استفاده از منافع بمتابله وسیله اصلی برای تهییج فعالیت اداره بهره برداری مؤسسات . مؤسسات برای افزایش درآمد و منافع میتواند بصلاح دید خود به هر وسیله ای متشبث گردند . این بدان معنی است که هدف تولید مؤسسات باصطلاح " خودمختار کارگری " بهیچوجه برای تامین نیازمندی های اجتماعی نبوده بلکه مانند مؤسسات سرمایه داری بدنبال سود دویدن است .

1 – رجوع به نامه سرگشاده کمیته مرکزی اتحاد کمونیست های یوگوسلاوی خطاب به سازمانها و رهبران درجات مختلف خود در روز 17 ماه فوریه سال 1958 .

سوم – اجرای سیاست تشویق رقابت آزاد سرمایه داری ، تیتو به مدیران مؤسسات گفته بود : " رقابت در

کشور ما به نفع مردم عادی و مصرف کنندگان خواهد بود " . دارودسته تیتو همچنین علناً اعلام میدارند که آنها بخصوص از آنچه " در رقابت و سودجویی و احتکار و غیره " اجازه میدهند که گویا این امر " تاثیر مثبتی در رشد ابتکار تولید کنندگان و کلکتیو ها و کمونهای آنها دارد " . (1)

چهارم – استفاده از اعتبار و بانک به مثابه اهرام مهمی برای حمایت رقابت آزاد سرمایه داری . بنگاه های اعتبار و بانکی حکومت تیتو در واگذاری وام از طرز مناقصه استفاده میکنند . از وام کسانی بهره مند میشوند که قدرت پرداخت داشته باشد و بتواند ربح حداً بدهد و در کوتاهترین مدت وام را واریز کند . چنین طرز عملی در زمان دارودسته تیتو " استفاده از رقابت بمتابله شیوه عادی برای تقسیم اعتبارات سرمایه گذاری " نامیده میشود . (2)

پنجم – مناسبات بین مؤسسات مناسبات سوسیالیستی مبتنی بر کمک متقابل و همکاری متقابل طبق برنامه واحد دولتی نبوده بلکه مناسبات کاپیتالیستی مبتنی بر رقابت متقابل و کشمکش در بازار آزاد میباشد .

تمام اینها اقتصاد سوسیالیستی طبق نقشه را از بیخ و بن برهم زده است .

لنین میگوید : " بدون سازمانهای دولتی نقشه ای که دهها میلیون نفر از افراد در رعایت جدی موازین واحدی در امور تولیدی و تقسیم محصولات از آنها اطاعت میکنند ، سوسیالیزم غیر قابل تصور است ، " (" کلیات لنین " ، جلد 27 صفحه 306 - 307 چاپ روسی)

لنین همچنین میگوید : " بدون محاسبات و کنترل همه جانبه دولتی در تولید و تقسیم محصولات حفظ حکومت زحمتکشان و آزادی آنان ممکن نیست و بازگشت بزیستم سرمایه داری حتمی است . " (" کلیات لنین " ، جلد 27 صفحه 225 چاپ روسی)

دریوگوسلاوي بين رشته هاي اقتصادي وبين مؤسسات زیر پرده " خودمختاري کارگري " رقابت شديد کاپیتالیستی جریان دارد . مؤسسات باصطلاح " خود مختار کارگري " برای از میدان بدر کردن رقبای خود در بازار و بچنگ آوردن سود به هرگونه امکان شریرا نه دست زده بمعاملات نامشروع پرداخته ، برای بالا بردن قیمت ها کالا را احتکار میکنند ، بمیل خود قیمت ها را ترقی میدهند ، به اختلاس ورشوه متصل میشوند ، اسناد ومدارک فنی را مخفی نگاه میدارند ، در سر بدست آوردن مهندسی و تکنیسین ها سرودست یکدیگر را میشکنند وحتی در مطبوعات و رادیو به یکدیگر حمله میکنند . تمام این ها پدیده هاي عادي گردیده است .

نه تنها در بازار داخلی بلکه در بازار هاي بين المللي نیز بين مؤسسات یوگوسلاوي رقابت شدیدی حکمفرماست . مطبوعات یوگوسلاوي یاد آور میشود که اغلب 20 – 30 نفر نماینده مؤسسات بازرگانی خارجی یوگوسلاوي بیک بازار خارجی مسافرت نموده باهم بر رقابت میپردازند و سعی مینمایند رقبای خود را از پادر آورند . این مؤسسات بازرگانی خارجی " بعزل ناشی از خودپرستی و جاه طلبی " " کوشش میکنند به هر قیمت و به هر وسیله ای که ممکن باشد ، سود بدست آورند " . در نتیجه رقابت شدید بازار یوگوسلاوي دچار آشفتگی جدی است . نه تنها در شهرها و نواحی مختلف بلکه در مغازه هاي مختلف یک ناحیه و نیز در کالاهای هم نوع یک مؤسسه تفاوت فاحشی بين قیمت هاي کالا موجود است . برخی از مؤسسات برای حفظ بهای بالا از بين بردن مقدار زیادی محصولات کشاورزی را دریغ نمیکنند .

دریوگوسلاوي در نتیجه رقابت شدید تعداد زیادی از مؤسسات دچار ورشکستگی گردیده اند . طبق ارقام منتشره از طرف " اطلاعیه جمهوری توده ای فدراتیو یوگوسلاوي " طی چند سال اخیر هر سال 500 الي 600 مؤسسه ورشکست شده است .

تمام اینها حاکی از آنست که در اقتصادیات " عمومی " یوگوسلاوي قوانین اقتصادیات سوسیالیستی منکي به نقشه حکمفرمانیست بلکه قوانین رقابت کاپیتالیستی و انارشی در تولید حکمفرماست . مؤسسات باصطلاح " خودمختار کارگري " دارودسته تیتو مؤسسات دارای جنبه سوسیالیستی نبوده بلکه مؤسسات کاپیتالیستی است .

اجازه بدهید از آنها که قصدا حیثیت دارودسته تیتو را اعاده میکنند ، سوال کنیم : اگر شما عالما و عامدا مردم را فریب نمیدهید ، چگونه میتوانید خود سرانه اقتصاد سرمایه داری دولتی را که تحت کنترل بورژوازي بوروکرات – کمپرادور قرار میگیرد ، باصطلاح اقتصاد سوسیالیستی و انمود سازید ؟

- 1 – از گزارش با کای میر با کاریج در چهارمین کنگره اتحاد کمونیستهای استان خرواتی ها در روز 7 ماه آوریل سال 1959 .
- 2 - رجوع به مقاله " میزان سرمایه گذاری یوگوسلاوي " بقلم اوگستین باپیچ از " سالنامه اقتصاد کلکتیو " از ماه آوریل الي ماه نوامبر سال 1959 چاپ بلگراد .

زائده امپریالیزم امریکا

جریان بازگشت کاپیتالیزم دریوگوسلاوي پیوند فشرده ای با جریان قرار گرفتن دارودسته تیتو در وابستگی به امپریالیزم امریکا ویا جریان تبدیل یوگوسلاوي به زائده امپریالیزم امریکا دارد .

دارودسته تیتو بعد از خیانت به مارکسیزم – لنینیزم در طریق ننگین فروختن حق حاکمیت دولتی و تکیه به صدقه امپریالیزم امریکا گام نهاده است .

طبق آمار غیر کامل در دوران پس از پایان دومین جنگ جهانی تا ژانویه سال 1963 ایالات متحده امریکا وسایر دول امپریالیستی " کمک هاي " از انواع گوناگون به مبلغ 5 میلیارد و 460 میلیون دالر در اختیار دارودسته تیتو گزارده اند که بیش از 60 درصد آنها کمک امریکا یعنی ، قریب سه میلیارد و 500 میلیون دالر میباشد . قسمت اعظم کمک هاي امریکا پس از سال 1950 واگزار شده است .

کمک آمریکایی تکیه گاه مالی و اقتصادی یوگوسلاوی است: طبق مدارک رسمی وام های که ایالات متحده آمریکا و سازمانهای بین المللی مالی تحت کنترل آن طی سال 1961 در اختیار دارودسته تیتو گزارده اند ، بیش از 346 میلیون دالر میباشد که معادل 47/4 درصد درآمد بودجه کلی فدراتیو های یوگوسلاوی در آن سال است . اگر وام های را که دیگر کشورهای باختری داده اند در اینجا بحساب آوریم ، آنوقت جمع کل مبلغ کمکی که دارودسته تیتو از کشورهای باختری در سال 1961 بدست آورده بیش از 493 میلیون دالر بالغ میگردد که 67/6 درصد درآمد بودجه کل فدراتیو های یوگوسلاوی در آن سال میشود .

دارودسته تیتو برای بدست آوردن کمک های آمریکا یک سلسله پیمان های میهن فروشانه با ایالات متحده آمریکا منعقد ساخته است . در سال 1951 یوگوسلاوی و ایالات متحده آمریکا به مناسبت انعقاد " موافقت نامه کمک متقابل در زمینه امور دفاعی " بین خود شان یادداشت های مبادله کردند . در این یادداشت ها نوشته میشود که مامورین رسمی دولت آمریکا " آزادانه وبدون هیچ محدودیتی " بازرسی و نظارت بر دریافت و تقسیم وسایلی که آمریکا بصورت کمک نظامی و اگزار میکند ، در سرزمین یوگوسلاوی عملی ساخته و همچنین حق دارند " خطوط مواصلاتی و مخیراتی را در دست بگیرند " . در موافقت نامه قید شده است که یوگوسلاوی متعهد میشود که ایالات متحده آمریکا را از لحاظ مواد خام استراتژیکی تامین نماید .

در سال 1951 بین یوگوسلاوی و ایالات متحده آمریکا " موافقت نامه کمک نظامی " بسته شده که طبق آن یوگوسلاوی باید " حد اعلاهی کوشش را در رشد و حفظ قدرت دفاعی جهان آزاد " بعمل آورد که باید آماده باشد نیروهای مسلح خود را در اختیار سازمان ملل متحد بگذارد . هیئت نظامی که آمریکا طبق موافقت نامه موجود اعزام داشت ، مستقیماً تعلیمات ارتش یوگوسلاوی را نظارت میکند .

در سال 1952 بین یوگوسلاوی و ایالات متحده آمریکا " موافقت نامه همکاری اقتصادی " منعقد گردید که به موجب آن یوگوسلاوی باید از کمک های آمریکا " برای رشد حقوق اساسی اشخاص فردی ، آزادی و رژیم دموکراتیک " و عبارت دیگر برای رشد کاپیتالیزم استفاده کند . در سال 1954 یوگوسلاوی با یونان و ترکیه کشورهای عضو بلوک ناتو پیمان اتحاد همکاری سیاسی و کمک متقابل منعقد کرد که در آن هماهنگی متقابل اقدامات سه کشور در زمینه های نظامی و دیپلماسی قید شده است که عملاً یوگوسلاوی را تبدیل به عضو بلوک نظامی تحت کنترل آمریکا میسازد . پس از سال 1954 یوگوسلاوی باز هم یک سلسله قرارداد های خیانت آمیز به حق حاکمیت کشور با ایالات متحده آمریکا منعقد کرد تنها طی دوران از سال 1957 تا سال 1962 بیش از 50 قرارداد بامضاء رسید .

در نتیجه امضای این پیمان ها و قرار داد ها در نتیجه اینکه دارودسته تیتو یوگوسلاوی را وابسته بامپریالیزم آمریکا ساخت ، امریکا حقوقی بدین شرح بدست آورده است :

- 1- حق کنترل امور نظامی یوگوسلاوی ؛
- 2 - حق کنترل فعالیت سیاست خارجی یوگوسلاوی ؛
- 3 - حق مداخله در امور داخلی یوگوسلاوی ؛
- 4 - حق در اختیار گرفتن امور مالی یوگوسلاوی و نظارت آن ؛
- 5 - حق کنترل بازرگانی خارجی یوگوسلاوی ؛
- 6 - حق غارت منابع استراتژیکی یوگوسلاوی ؛
- 7 - حق جمع آوری اطلاعات نظامی و اقتصادی در یوگوسلاوی .

بدین ترتیب استقلال و حق حاکمیت یوگوسلاوی از طرف دارودسته تیتو به حراج گذاشته شد . دارودسته تیتو بمنظور بدست آوردن " کمک " آمریکا علاوه بر آنکه با ایالات متحده آمریکا یک سلسله قرار داد های غیر برابر امضا کرد که خیانت به حق حاکمیت دولتی بود ، در زمینه سیاست داخلی و خارجی نیز یک سلسله تدابیر اتخاذ کرد که بسود سرمایه ای انحصاری باختر است که سعی دارد در یوگوسلاوی نفوذ کند .

دارودسته تیتو از سال 1950 شروع به منسوخ کردن انحصار دولتی بازرگانی خارجی نمود . در سال 1953 " قانون فعالیت بازرگانی خارجی " را صادر کرد که بموجب آن بمؤسسات اجازه داده میشود که مستقلاً بامور بازرگانی خارجی پرداخته و مستقیماً با مؤسسات سرمایه انحصاری باختر معاملات بازرگانی انجام دهند .

در سال 1961 حکومت تیتو مجددا در زمینه سیستم ارز خارجی بازرگانی خارجی " اصلاحاتی " بعمل آورد . مضمون عمده این اصلاحات تضعیف باز هم بیشتر محدودیت کالا های وارده و صادره بود که نسبت به ورود مواد نیم ساخته مهم و برخی وسایل کثیرالمصرف " آزادی کامل " اعلام شد و در مورد ورود بقیه کالا ها نیز تا حدود معینی از محدودیت کاسته شد . ارز خارجی لازم برای پرداخت بهای کالا ها با اصطلاح ورود کالا ها آزاد همچنان بیحد و حصر و آگزار میشود .

همانطوریکه معلوم است انحصار دولتی بازرگانی خارجی یکی از اصول اساسی سوسیالیسم میباشد .

لنین متذکر میشود : " پرولتاریای صنعتی بدون حفظ صنایع خود که بهیچوجه سیاست گمرکی نبوده بلکه فقط فقط انحصار بازرگانی خارجی میباشد ، مطلقا قادر نخواهد بود صنایع خود را تجدید ساختمان کند و روسیه را کشور صنعتی سازد . " (کلیات لنین " جلد 33 ، صفحه 420 چاپ روسی) استالین میگوید : " انحصار بازرگانی خارجی یکی از بنیان های تزلزل ناپذیر برنامه سیاسی دولت شوروی میباشد . " از بین بردن انحصار بازرگانی خارجی " بمعنای امتناع از صنعتی کردن کشور " ، " بمعنای مفروق ساختن اتحاد شوروی در کالاهای کشورهای سرمایه داری " ، " بمعنای تبدیل کشور ما از کشور مستقل بکشور نیمه مستعمره میباشد " . (کلیات استالین جلد 10 صفحه 109 – 110 چاپ روسی)

حکومت تیتو با از بین بردن انحصار دولتی بازرگانی خارجی یک مرتبه درها را کاملا بروی سرمایه انحصاری امپریالیستی باز کرد . دارودسته تیتو بپذیرفتن کمک های فراوان آمریکا و باز گزاردن همه درها بروی امپریالیسم یوگوسلاوی را دچار چه عواقب اقتصادی کرده است ؟

اولا ، یوگوسلاوی تبدیل به بازار سیاست دامتینگ دول امپریالیستی گردید .

بازارهای یوگوسلاوی از مقادیر بسیار زیادی کالا های صنعتی و کشاورزی این کشورها پر شده است . کمپرادور های یوگوسلاوی کمر در خدمت سرمایه انحصاری خارجی بسته و بحساب این سود های کلان ثروتمند میگردند ، بخاطر مقاصد طمع کارانه کالاهای را متوالیا وارد میکنند که میتوان در داخل کشور نظیر آنها را تولید کرد و حتی مقادیر زیادی از آنها در انبار موجود است . 25 ژانویه سال 1961 روزنامه " پولیتیکا " اعتراف کرد که صنایع یوگوسلاوی " در زیر ضربات دائمی و بسیار پیچیده رقابت صنایع خارجی قرار دارد " و " در هر جا این موضوع را میتوان مشاهده کرد " .

ثانیا ، یوگوسلاوی تبدیل به حیطة سرمایه گزاری امپریالیستی گردید .

بسیاری از مؤسسات صنعتی یوگوسلاوی بحساب " کمک های " آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی تاسیس شدند . سرمایه انحصاری خصوصی بسیاری از کشورهای خارجی هم اکنون مستقیما به یوگوسلاوی نفوذ کرده اند . پاپیج مدیر کل بانک سرمایه گزاری یوگوسلاوی گفته است که طی دوران از سال 1952 تا سال 1956 " سهم سرمایه های کشورهای خارجی به 32/5 درصد مبلغ کل سرمایه گزاری های اقتصادی رسید " 5 فوریه سال 1962 راسک وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا اعلام داشت که " سرچشمه سرمایه یوگوسلاوی بطور کلی از باختر میباشد " .

ثالثا ، یوگوسلاوی به پایگاه مواد خام امپریالیسم مبدل شده است .

از سال 1951 دارودسته تیتو طی قرار داد کمک نظامی " آمریکا – یوگوسلاوی لاینقطع مقدار زیادی مواد خام استراتژیکی در اختیار آمریکا میگذارد . طبق ارقام " آمار سالیانه جمهوری توده ای فدراتیو یوگوسلاوی " از سال 1957 تا کنون تقریبا نیمی از محصولات معدنی مهم صادراتی یوگوسلاوی مثل منگنز ، سرب ، روی ، سرمه و غیره بایالات متحده آمریکا صادر شده است .

رابعا ، مؤسسات صنعتی یوگوسلاوی بکارگاه مونتاز مؤسسات سرمایه انحصاری باختر مبدل شده است .

بسیاری از صنایع مهم یوگوسلاوی با اجازه نامه کشورهای باختر کارکردامور تولیدی خود را بکمک مواد نیمه آماده ، قطعات ، اجزای نیم ساخته شده های که از خارج وارد میشود ، انجام میدهد . امور تولیدی در این مؤسسات صنعتی تحت نظارت مؤسسات سرمایه انحصاری باختر قرار دارد .

در واقع بسیاری از انواع تولیدات صنعتی یوگوسلاوی با استفاده از قطعات تهیه شده وارد و خارج ساخته میشود که سپس روی آن مارک ساخت یوگوسلاوی میزند و بعنوان محصولات میهنی بفروش میرساند. روزنامه " وسنیک و سردو " چاپ یوگوسلاوی 25 آوریل سال 1962 نوشت :

" برخی از مؤسسات صنعتی ما دارند بنگاههای بازرگانی از نوع ویژه ای تبدیل میشود که بجای تولید مشغول مونتاژ هستند و فقط به فرآورده های دیگران برچسب خود را میچسبانند . "

در این صورت یوگوسلاوی جزء ترکیب بازار جهانی سرمایه انحصاری باختری گردیده است. یوگوسلاوی چه در رشته مالی و چه در رشته اقتصادی بطور ناگسستی ببازار جهانی سرمایه داری مربوط میباشد و به زانده امپریالیزم بویژه امپریالیزم آمریکا مبدل شده است .

اگر کشور سوسیالیستی و حق حاکمیت خود را بفروشد و خود را وابسته با امپریالیسم گرداند ، این بطور اجتناب ناپذیر منجر به بازگشت نظام کاپیتالیستی در این کشور خواهد گردید .

باصطلاح راه ویژه ساختمان " سوسیالیزم " با اتکا بکمک آمریکا که دارودسته تیتو تبلیغ میکنند ، راهی جز این نیست که بنابرخواست امپریالیست ها نظام سوسیالیستی را بنظام کاپیتالیستی و کشور مستقل را به نیمه مستعمره مبدل میسازد .

بسیار عجیب و غریب است که خروشف در اظهارات خود حتی ادعا میکند که گویا چنین زانده امپریالیزم آمریکا" بساختمان سوسیالیزم مشغول است " . علاوه بر انواع گوناگون سوسیالیزم ساختگی که از طرف مارکس ، انگلس و لنین انتقاد شده اینچنین نوع جدیدی باصطلاح سوسیالیزم که در آن برچسب کمک آمریکایی دارد بوجود آمده است . لابد این یکی از " خدمات کبیر " تیتو و خروشف " در تکامل خلاق مارکسیزم - لنینیزم " میباشد .

دسته ضد انقلابی خدمتگزار

ویژه امپریالیزم آمریکا

از نظر نقش ضد انقلابی که دارودسته تیتو در مناسبات بین المللی بازی میکند و بنابرسیاست خارجی ارتجاعی که داروسته تیتو دنبال میکند ، البته بهیچوجه نمیتوان گفت که یوگوسلاوی يك کشور سوسیالیستی است .

در صحنه بین المللی دارودسته تیتو بمثابه دسته خدمت گذار ویژه امپریالیزم امریکا در امر برهم زدن انقلاب جهانی برآمد میکند . دارودسته تیتو با سرمشق آشکار خود در بازگرداندن سرمایه داری به یوگوسلاوی به امپریالیزم امریکا در اجرای سیاست " تحولات مسالمت آمیز " نسبت به کشورهای سوسیالیستی کمک میکند .

دارودسته تیتو در زیر تابلوی کشور سوسیالیستی دیوانه وار علیه اردوگاه سوسیالیستی به پا خاسته و آنرا مختل کرده و در اقدامات و تبلیغات ضد چینی نقش نیروی ضربتی را ایفاء میکند .

دارودسته تیتو در زیر پرده " خارج از بلوک " و " همزیستی فعال " جنبش های آزادیبخش ملی را در آسیا ، افریقا و آمریکای لاتین برهم زده و بدین طریق به استعمار نوین امریکا خدمت میکند .

دارودسته تیتو با تمام نیرو امپریالیزم امریکا را میآراید و اراده خلقهای سراسر جهان را در مبارزه شان علیه سیاست تجاوز و جنگ امپریالیزم فلج میسازد .

دارودسته تیتو در زیر نقاب مبارزه علیه " استالینیسم " زهر رویونیستی خودشان را در همه جا پخش کرده بمخالفت با انقلاب خلقهای کشورهای مختلف برمیخیزد .

دارودسته تیتو طی بیش از ده سال اخیر در مهمترین حوادث بین المللی بلا تغییر رول سگ زنجیری امپریالیزم آمریکا را بازی کرده است . به رویداد ها مراجعه کنیم :

1 - انقلاب یونان . 10 ژانویه سال 1949 تیتو بستن مرزهای دولتی یوگوسلاوی را بروی دستجات پارتیزان های توده های یونان اعلام داشت که در عین حال بارش فاشیست سلطنت طلبان یونان اجازه داد که برای وارد آوردن ضربات از پشت سر به پارتیزان های توده های

2 - جنگ کره . 6 سپتامبر سال 1950 کاردل وزیر امور خارجه وقت یوگوسلاوي اعلامیه ای انتشار داده و آشکارا جنگ عادلانه خلق کره را علیه تجاوز متهم ساخت و امپریالیزم آمریکا را تبرئه کرد . اول دسامبر همان سال نماینده دارودسته تیتو طی نطق خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد به چین حمله کرد و آنرا متهم به " مداخله فعال در جنگ کره " ساخت . علاوه بر این دارودسته تیتو در سازمان ملل متحد در مسئله " برقراری محاصره اقتصادی " علیه چین و کره رای موافق داد .

3 - جنگ آزادیبخش خلق ویتنام . ماه آوریل سال 1954 در آستانه مشاوره ژنودرباره مسئله هند و چین دارودسته تیتو با کوشش های فراوانی مبارزه عادلانه خلق ویتنام را بیداهت گرفت اعلام داشت که مسکو پکن به خلق ویتنام " بمثابه ورق برنده سیاست جنگ سرد خود پس از دومین جنگ جهانی " مینگردند . دارودسته تیتو در باره پیکار کبیر خلق ویتنام در راه آزادی دین بین فو میگفت : " این یک ژشت با حسن نیتی نیست "

4 - خرابکاری علیه آلبانی . طی دوران طولانی دارودسته تیتو لحظه ای هم فعالیت های خرابکارانه و تحریکات مسلحانه علیه آلبانی سوسیالیستی را قطع نکرد . دارودسته تیتو در سالهای 1944 ، 1948 ، 1956 ، 1960 چهار بار سوءقصد های بزرگ ضد دولتی علیه آلبانی تشکیل داد . از سال 1948 تا سال 1958 دارودسته تیتو در مرز های آلبانی - یوگوسلاوي بیش از 470 واقعه تحریکات مسلحانه برپاساخت . در سال 1960 دارودسته تیتو و ارتجاع یونان با همکاری با ناوگان ششم آمریکایی مستقر در دریای مدیترانه کوشیدند مسلحانه به آلبانی حمله کنند .

5 - شورش ضد انقلابی در مجارستان . در شورش ضد انقلابی مجارستان در ماه اکتبر سال 1956 دارودسته تیتو با مداخلات و اقدامات تحریک آمیز خود نقش ننگینی را بازی کرد . پس از بروز شورش ضد انقلابی تیتو نامه ای منتشر ساخت و از آن تدابیر مختلف ضد انقلابی ایمرناد خائن پشتیبانی نمود . 3 نوامبر دارودسته تیتو به ایمرناد اطلاع داد که میتواند در سفارت یوگوسلاوي در مجارستان مخفی گردد . 11 نوامبر تیتو نطقی ایراد کرد و این شورش ضد انقلابی را بمثابه مقاومت " عناصر مترقی " توصیف نموده و گستاخانه اعلام داشت که اکنون مسئله در اینست که " مشی یوگوسلاوي " پیروز میشود یا " مشی استالین " .

6 - حوادث خاورمیانه . در سال 1958 هنگامی که امپریالیزم آمریکا ارتش خود را برای اشغال لبنان اعزام داشت و امپریالیزم انگلستان نیز ارتش خود را برای اشغال اردن گسیل داشت ، موج عظیم اعتراض سراسر جهان را فرا گرفت که خواستار خروج بلادرنگ قوای نظامی آمریکا و انگلستان از این کشورها بودند . در آن موقع کوچا و پوپویچ وزیر امور خارجه یوگوسلاوي در جلسه فوق العاده سازمان ملل متحد که اوضاع خاورمیانه در آن مورد بررسی قرار گرفت ، گفت : " مسئله بر سر این نیست که روی محکوم کردن و یا تائید کردن سهمی که ایالات متحده آمریکا و انگلستان بعهده گرفتند ، پافشاری میشود یا نه " . وی همچنین این فکر را پیش کشید که سازمان ملل متحد که تحت کنترل امپریالیزم آمریکا قرار دارد ، باید در این امر مداخله کند .

7 - حادثه تنگه تایوان . در پائیز سال 1958 ارتش آزادیبخش توده ای چین بمنظور ضربه وارد آوردن به امپریالیزم آمریکا که دست باقدمات تحریک آمیزی در تنگه تایوان زده بود و همچنین برای تادیب نوکران امپریالیزم آمریکا یعنی راهزنان چانکایشک تیراندازی توپخانه روی زمین مین را آغاز کرد . داروسته تیتو این مبارزه عادلانه چین را مورد تهمت و افترا قرار داده اعلام داشت که این مبارزه " برای سراسر جهان خطرناک " و " برای صلح زیان آور است " .

8 - واقعه هوآپیمای یو - 2 . در سال 1960 ایالات متحده آمریکا هوآپیمای جاسوسی یو - 2 را به حیطه فضائی اتحاد شوروی اعزام داشت و به این ترتیب دعوت مشاوره پاریس سران چهار کشور را برهم زد . بلافاصله پس از این در 17 ماه می تیتو اعلامیه ای انتشار داد و به موضع صحیحی که دولت اتحاد شوروی در آن موقع اتخاذ کرده بود ، حمله ور شد و مدعی گردید که گویا این موضع موجب برپاشدن " مناقشات بدین مقیاس " شده است .

9 - مبارزه میهن پرستانه خلق ژاپن علیه امپریالیزم آمریکا . در ماه ژوئن سال 1960 خلق ژاپن مبارزه عادلانه و میهن پرستانه علیه امپریالیزم آمریکا بر پا ساخت که از لحاظ مقیاس نظیرش دیده نشده بود . اما دارودسته تیتو بدفاع از امپریالیزم آمریکا برخاسته مدعی شد

- 10 - مبارزه خلق اندونیزی . دارودسته تیتو در مبارزه ضد امپریالیستی خلق اندونیزی اخلاص میکند وبا اقدامات پلید خود کوشید که از تشکیل کابینه " ناساکوم " یعنی دولت وحدت ملی مرکب از نمایندگان ناسیونالیست ها ، محافل مذهبی و کمونیست ها جلوگیری کند .
- 11- حادثه کنگو . در تابستان سال 1960 هنگامی که امپریالیزم آمریکا زیر پرچم سازمان ملل متحد بتجاوز مسلحانه در کنگو میپرداخت ، دارودسته تیتو نه تنها در سازمان ملل متحد در پشتیبانی در اقدامات امپریالیزم آمریکا رای داد بلکه بنابر دستور امپریالیزم آمریکا عده ای از خلبانان نیروی هوایی خود را به کنگو اعزام داشت که مستقیماً در سرکوب خونین خلق کنگو شرکت جستند .
- 12 - مسئله لائوس . در ماه ژانویه سال 1961 هنگامی که امپریالیزم آمریکا مداخلات خود را در امور لائوس تشدید کرد ، دارودسته تیتو شروع به تبلیغ کرد که گویا ایالات متحده آمریکا " واقعا به صلح و بیطرفی لائوس علاقمند است " . در ماه می سال 1963 هنگامی که امپریالیزم آمریکا در لائوس سوء قصد سیاسی و تصادفات مسلحانه ایجاب میکرد ، دارودسته تیتو بنیروهای میهن پرست لائوس حمله کرد که گویا آنها " همه چیز را بگردن ایالات متحده آمریکا انداخته اند .
- 13 - نقشه آمریکایی " اتحاد بخاطر ترقی " . در ماه اوت سال 1961 ایالات متحده آمریکا عده ای از کشور های آمریکایی لاتین باصطلاح " اتحاد بخاطر ترقی " خود کشاند که وسیله نوینی است در دست امپریالیزم آمریکا برای باسارت در آوردن خلقهای آمریکایی لاتین . این نقشه تجاوز کارانه با مخالفت شدید خلقهای آمریکایی لاتین روبرو شد . ولی دارودسته تیتو از آن تعریف کرده اعلام داشت که آن " بحد قابل ملاحظه ای به خواسته های کشورهای آمریکایی لاتین پاسخ میدهد .
- 14 - تصادفات در مرز های چین و هند . سال 1959 از زمانی که مرتجعین هند تشنج در مرزهای چین و هند بوجود آوردند ، دارودسته تیتو همواره از ارتجاع هند در توسعه طلبی و اقدامات تجاوزکارانه و تحریک امیزش علیه چین پشتیبانی کرده و میکند . آنان آشکارا به پخش این دروغبافی پرداختند که " کار علامت گزار مرز حتمی در اوایل قرن جاری به شکل خط معروف ما کماهون انجام گرفته و ثبت شده است " . آنها با تمام نیرو سیاه را بجای سفید قالب کرده اند ، به چین افترا زده گفت که چین بخود اجازه داده است " خودسرانه با بکار بردن نیرو مرز با هند را تغییر دهد " و چین به هند " تجاوز کرده است .
- 15 - انقلاب کوبا و بحران دریای کارائیب . دارودسته تیتو مقالات بسیار زیادی در حمله به کوبا منتشر ساخت و مدعی شد که کوبا "تنها بانقلاب باوردارد " ، انقلاب کوبا " همانقدر نمونه نیست همانقدر استثنائی است از طریق انقلاب " ، در پائیز سال 1962 موقع بحران دریای کارائیب دارودسته تیتو اقدامات تجاوزکارانه ای امپریالیزم آمریکا را تیرئه کرده اعلام داشت که گویا " دشواری ها وقتی شروع شد که انقلاب کوبا پا روی دم کمپانی های آمریکایی گذاشت " و همچنین ادعا کرد که " اگر ایالات متحده آمریکا از تشکیل پایگاه موشکی در کوبا در زیر دماغ خود خشمگین شود ، این البته قابل درک است " .
- از اینها بسهولت میتوان مشاهده کرد که دارودسته تیتو با چه هاری طی بیش از دهسال اخیر علیه کشورهای سوسیالیستی برخاسته ، جنبش های آزادیبخش ملی را برهم زده ، مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی خلقها را تحقیر کرده و بدین ترتیب فعالانه به امپریالیزم بویژه امپریالیزم آمریکا خدمت کرده است .
- خروش پراگویی میکند که در مسئله بین المللی موضع رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با موضع دارودسته تیتو " وفق دارد " و " یکیست " . بسیار خوب . ما میخواهیم پرسیم : آیا يك سلسله عملیات ژست و جنایت آمیز ضد انقلابی دارودسته تیتو سرانجام با رفتار شما وفق دارد و یکی است یا نه ؟ اگر شما جسارت داشته باشید جواب بدهید .

تغییر ماهیت دیکتاتوری پرولتاریا

به دیکتاتوری بورژوازی

رشد و توسعه فوق العاده سرمایه داری در شهرها و دهات یوگوسلاوی، تغییر ماهیت اقتصادیات مبتنی بر مالکیت عموم خلق یوگوسلاوی به اقتصادیات سرمایه داری دولتی و تبدیل یوگوسلاوی به زانده امپریالیزم آمریکا بالاخره نتیجه تغییر ماهیت خصوصیات خود حزب و حکومت در یوگوسلاوی میباشد.

در دوران دومین جنگ جهانی حزب کمونیست و خلق یوگوسلاوی با مبارزه قهرمانانه ای علیه تجاوز کاران فاشیستی آلمان و ایتالیا سلطه ارتجاعی امپریالیستها و نوکرانش را بر یوگوسلاوی سرنگون ساخته و حکومت دموکراتیک توده ای یعنی دیکتاتوری پرولتاریا را تشکیل دادند.

اما پس از چندی گروه رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی به مارکسیزم - لنینیسم خیانت کرده در راه رویونیسم گام نهاد که در نتیجه حزب و حکومت دولتی در یوگوسلاوی بتدریج تغییر ماهیت یافت.

حزب کمونیست یوگوسلاوی دارای سنن پر افتخار مبارزات انقلابی میباشد. خیانت دارودسته تیتو قبل از هر چیز با مقاومت شدید در درون حزب روبرو شد. دارودسته تیتو برای سرکوب این مقاومت با استفاده از حکومت خود تعداد زیادی از کمونیستهای وفادار به مارکسیزم - لنینیسم را از حزب برکنار و اخراج نمود. تنها طی دوران از سال 1948 تا سال 1952 بالغ بر 200000 هزار نفر یا نیمی از اعضای حزب کمونیست یوگوسلاوی اخراج گردیدند. دارودسته تیتو به کار بازداشت توده های مارکسیست - لنینیستها و کادرهای انقلابی و مردمیکه دارای روحیه انقلابی بودند، دست زد و مجازاتهای خونین در مورد آنان معمول داشت و آنان را باصطلاح "عناصر کمینفرم" نامید. عده کمونیستها و انقلابیون فعال که به بازداشتگاه زندان افتادند، متجاوز از 30 هزار نفر بو. در عین حال دارودسته تیتو بروی عناصر ضد انقلابی، عناصر بورژوازی و عناصر ضد سوسیالیستی از هر قماش و همچنین استفاده جویان که حساب میکردند با استفاده از کارت عضویت حزب میتوانند بمقامات عالییه رسیده و ثروت بیاندوزند، در حزب را کاملاً باز گذاشت. در ماه نوامبر سال 1952 دارودسته تیتو اعلام داشت که "نام" حزب دیگر مناسب نیست" و نام حزب کمونیست یوگوسلاوی را باتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی تغییر داد. دارودسته تیتو بر خلاف اراده و میل عموم کمونیستهای شریف یوگوسلاوی خصوصیات حزب کمونیست یوگوسلاوی را که پیشاهنگ پرولتاریا بوده تغییر داد که در نتیجه اتحاد کمونیستهای یوگوسلاوی عملاً به حربه ای برای حفظ سلطه دیکتاتوری دارودسته تیتو مبدل شد.

در کشورهای سوسیالیستی احزاب کمونیستی در راس حکومت قرار دارند، چنانچه حزب کمونیستی به حزب بورژوازی تغییر ماهیت یابد، انوقت ماهیت حکومت نیز مسلماً از دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری بورژوازی سقوط میکند.

در یوگوسلاوی حکومت دیکتاتوری پرولتاریا در اثر مبارزات طولانی قهرمانانه خلق یوگوسلاوی بوجود آمد ولی پس از خیانت دارودسته تیتو ماهیت این حکومت نیز تغییر کرده است.

دارودسته تیتو اعلام داشت که "وسیله دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا یعنی سیستم دولتی سوسیالیستی هر چه بیشتر غیر ضروری میگردد"

ولی آیا این بدان معناست که در یوگوسلاوی دیکتاتوری وجود ندارد؟ خیر. بدین معناییست. در آنجا واقعا دیکتاتوری پرولتاریا وجود ندارد. دیکتاتوری بورژوازی نه تنها موجود است بلکه هم وحشیانه ترین دیکتاتوری فاشیستی وجود دارد.

حکومت تیتو شبکه بزرگی از زندانها و بازداشتگاه های نوع فاشیستی ایجاد کرده است که در آنجا دهها هزار نفر انقلابی در اثر شکنجه های سخت غیر انسانی بشهادت رسیده اند. در عین حال حکومت تیتو نیز بسیاری از عناصر ضد انقلابی و همچنین وطنفروشان دوران جنگ ضد فاشیستی را عفو نموده است. روز هفتم ماه ژانویه سال 1951 تیتو ضمن پاسخ به خبرنگار خبرگزاری یونایتد پرس گفت که در یوگوسلاوی 11 هزار نفر زندانی سیاسی عفو گردیده اند. روز 13 ماه مارس سال 1962 عفو 150 هزار نفر ضد انقلابیون مهاجر اعلام گردید. در مورد این عده دشمنان مردم واقعا اعمال دیکتاتوری از بین رفت و حقیقتاً فقط آنها از "دموکراسی" برخوردار گردیدند. نمیتوان با هیچ نوع کلمات زیبایی باصطلاح "دموکراسی" دارودسته تیتو را که دموکراسی برای اقلیت یعنی عناصر نوو کهنه بورژوازی است و کامل العیار ترین دیکتاتوری علیه توده های وسیع زحمتکشانشان است، استتار کرد. دارودسته تیتو دستگاه انقلابی دولتی را که برای

تغییر ماهیت حکومت دولتی در یوگوسلاوی از طریق واژگون جبری حکومت سابق و تشکیل حکومت جدیدی انجام نگرفت بلکه از طریق " تحولات مسالمت آمیز " صورت گرفت. ظاهراً حکومت چنان است که گویا مرکب از همان اشخاص یعنی دارودسته تیتو است که عملاً آنها دیگر نماینده مصالح کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان نبوده بلکه ممثل منافع امپریالیست ها، بورژوازی نو و کهنه یوگوسلاوی میباشند.

دارودسته تیتو با استفاده از حکومت دولتی رشته های حیاتی اقتصاد کشور را در دست گرفته زحمتکشان یوگوسلاوی را به حد اعلا استثمار میکند و بدین ترتیب در یوگوسلاوی بورژوازی بوروکراتیک بوجود آمد. این بورژوازی بوروکراتیک وابسته به امپریالیزم امریکا بوده و به میزان زیادی دارای جنبه عمیق کمپرادوری میباشد و بدین جهت در عین حال نیز بورژوازی کمپرادور میباشد. قدرت دولتی که در دست دارودسته تیتو دارد، اعمال کننده دیکتاتوری این بورژوازی بوروکراتیک - کمپرادوری میباشد.

یک سلسله واقعیاتی که در فوق ذکر کردیم، از جهات مختلف نشان میدهد که سیاستی که حکومت تیتو در پیش گرفته، سیاست بازگرداندن و رشد دادن سرمایه داری، سیاست برگرداندن یوگوسلاوی به وضع کشور نیمه مستعمره و یا وابسته میباشد.

قلب ماهیت حکومت در یوگوسلاوی منجر به انهدام نظام اقتصاد سوسیالیستی و بازگشت نظام اقتصاد کاپیتالیستی گردید. پس از آنکه نظام اقتصاد کاپیتالیستی بشکل نوینی مجدداً بوجود آمد و بورژوازی بوروکرات - کمپرادور نیپ نوینی متدرجاً شکل گرفت، آنان خواستار تحکیم باز هم بیشتر دیکتاتوری بورژوازی رشد باز هم بیشتر نظام سیاسی متناسب با نظام اقتصاد سرمایه داری گردیدند تا موقعیت حاکم خود را استحکام بخشند.

تغییر ماهیت یوگوسلاوی از حزب و حکومت گرفته تا بازگشت سرمایه داری در تمام نظام اقتصاد اجتماعی همینطور قدم بقدم تحقق پذیرفت. جریان تغییر ماهیت یوگوسلاوی که پانزده سال بطول کشید تاریخچه قلب ماهیت دولت سوسیالیستی به کاپیتالیستی از طریق " تحولات مسالمت آمیز " میباشد.

دارودسته تیتو حکومت خود را در یوگوسلاوی به پشتیبانی امپریالیزم امریکا، با اتکاء به دستگاه دولتی دیکتاتوری بورژوازی بوروکرات - کمپرادور و کارگران اشراف منش تطمیع شده و به دهقانان مرفه الحال در دهات حفظ میکند. بهمین جهت هم آنها برای مستور داشتن سیمای ارتجاعی خود و فریفتن توده های مردم به شیوه های عوامفریبانه گوناگونی متوسل میشوند. سیاست ارتجاعی که دارودسته تیتو اعمال میدارد، بهیچوجه از پشتیبانی مردم برخوردار نیست. قلب ماهیت دولت سوسیالیستی به کاپیتالیستی، تبدیل شدن کشور مستقل به نیمه مستعمره و یا کشور وابسته به امپریالیزم با منافع حیاتی مردم یوگوسلاوی از ریشه مغایرت دارد و نمیتواند مورد مخالفت کلیه کمونیستهای شریف و اکثریت مطلق توده های مردم یوگوسلاوی قرار نگیرد.

مانسبت به خلق یوگوسلاوی و کمونیستهای یوگوسلاوی که در چنین وضعی قرار گرفته اند، عمیقاً ابراز همدردی میکنیم. اگرچه ممکن است دارودسته تیتو باز هم مدتی خودسری کنند، ولی ما اطمینان داریم که هیچ دارودسته حاکمه خصم خلق هرچه هم به اعمال زور و فشار و شیوه های عوامفریبانه دست بزند، سرانجام در هر صورت عاقبت خوشی نخواهد داشت. البته دارودسته تیتو از این قاعده مستثنا نخواهند بود. مردمی که فریب خوردند، بالاخره بیدار خواهند شد. مردم یوگوسلاوی و کمونیستهای یوگوسلاوی که دارای تاریخ پرافتخاری هستند، بهیچوجه و برای همیشه از دارودسته خائن تیتو تبعیت نخواهند کرد. دورنمای مردم یوگوسلاوی درخشان است.

موضع اصولی حزب کمونیست

چین در مسئله یوگوسلاوی

درنامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است مدتی بود که " رهبران حزب کمونیست چین نسبت به خصوصیت نظام سوسیالیستی یوگوسلاوی هیچ شکی نداشتند " و همچنین نوشته میشود که در حال حاضر رهبران چین " موضع خود را در مسئله یوگوسلاوی به سرعت و شدیداً تغییر داده اند "

درست است که یوگوسلاوی کشور سوسیالیستی بود و این کشور واقعا مدتی بود در راه سوسیالیزم گام برمیداشت . پس از گذشت زمانی چند در نتیجه خیانت دارودسته تیتو نظام اجتماعی یوگوسلاوی قدم بقدم روبه انحطاط نهاده و تغییر ماهیت داد .

در سال 1954 هنگامی که خروش در باره بهبود مناسبات با یوگوسلاوی ابتکار بخرج داد ، ما موافقت کردیم که به یوگوسلاوی مثل کشور سوسیالیستی برادر برخورد گردد و کوشش شود تا یوگوسلاوی بر راه سوسیالیزم بازگردد و باز هم ببینیم که دارودسته تیتو چگونه خود را نشان خواهد داد .

اما حتی در همان موقع هم ما امید زیادی به دارودسته تیتو نداشتیم . کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در نامه 10 ژوئن سال 1954 خود به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت : باید این را در نظر بگیریم که رهبران یوگوسلاوی در زمینه مناسبات خود با امپریالیزم بقدر کافی دوررفته اند . بهمین جهت ممکن است آنها مساعی ما را نادیده گرفته و از بازگشت بر راه سوسیالیزم سرباز زنند . ولی " حتی در چنین وضعی هم این از لحاظ سیاسی هیچگونه زیانی به اردوگاه صلح ، دموکراسی و سوسیالیزم وارد نمیآورد و برعکس باز هم بیشتر سیمای منافق رهبران یوگوسلاوی را در برابر خلق یوگوسلاوی و خلقهای سراسر جهان فاش و برملا میسازد " مناسبانه ، پیشگویی ما درست درآمد ! دارودسته تیتو حقیقتا مساعی ما را بکلی نادیده گرفته و همچنان در طریق رویونیستی جلوتر و جلوتر رفت .

دارودسته تیتو پس از آنکه از امضاء بیانیه سال 1957 امتناع ورزید ، در سال 1958 برنامه سرتاپا رویونیستی را در برابر برنامه عمومی مورد قبول همگانی احزاب کمونیست و کارگری سراسر جهان یعنی بیانیه سال 1957 قرارداد و پرچم رویونیسم را برافراشت . دارودسته تیتو در داخل یوگوسلاوی قدم بقدم بازگشت کاپیتالیزم را عملی کرد و در صحنه بین المللی با کوشش هرچه تمامتر نقش خود را بمثابه دسته ضد انقلابی خدمتگذار ویژه امپریالیزم امریکا ایفا مینماید .

در چنین شرایطی مسئله برخورد احزاب مارکسیستی - لنینی بدارودسته تیتو دیگر مسئله برخورد به حزب برادر و کشور برادر ، مسئله جلب آن بسوی خود نبوده بلکه مسئله افشای قطعی و نهایی این دارودسته خائن و مبارزه با آن میباشد . در این مورد در اعلامیه سال 1960 نتیجه گیری روشن و دقیقی شده است .

این کاملاً تلاش بیهوده ای است که نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از یک سلسله واقعیات مهمی که پس از جلسه مشاوره نوامبر سال 1957 احزاب برادر روی داده و از نتیجه گیری مشترک از مشاوره سال 1960 احزاب برادر عمداً اجتناب کرده و بمنظور تیرئه موضع اشتباه آمیز رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی تنها به جمله ای درباره یوگوسلاوی از سرمقاله 12 سپتامبر سال 1957 روز نامه "ژن مین ژیبائو " استناد کرده است .

واقعیات گواه بر آنست که موضع ما در مسئله دارودسته تیتو باوضع حقیقی مطابقت داشته و دارای اصولیت بوده و با موافقتنامه مشترک جلسه مشاوره سال 1960 احزاب برادر مطابق است . ولی رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی با توسل به هروسلیله در اعاده حیثیت تیتو کوشش میکنند . این امر درست ثابت میکند که آنها به مارکسیزم - لنینیزم خیانت کرده اعلامیه سال 1960 را بدور انداخته و به امپریالیزم امریکا و سگهای زنجیریش کمک نموده و مردم یوگوسلاوی و خلقهای سراسر جهان را فریب میدهد .

آیا تیتو اشتباهات خود را تصحیح کرده است،

و یا آنکه خروش تیتورا معلم خود میداند ؟

خروش گفت که رهبران یوگوسلاوی بسیاری از اشتباهات خود را تصحیح کردند . ولی دارودسته تیتو به اشتباهات خود اعتراف نکرده تا چه رسد به اینکه اشتباهات خود را تصحیح بکند . دارودسته تیتو میگوید اینکه از آنها طلب میشود اشتباهات را تصحیح کنند ، " لزومی ندارد " و " تنها وقت تلف میکند " و " این امر کاملاً بیهوده و مضحک است " .

سرنجام واقعات چطور است ؟ آیا دارودسته برنامه رویونیستی خود را تغییر داده اند یا نه ؟ خیر . آیا آنان بیانیه سال 1957 و اعلامیه سال 1960 را قبول دارند یا نه ؟ خیر . آیا آنان سیاست رویونیستی داخلی و خارجی خود را تغییر دادند یا نه ؟ باز هم خیر .

قانون اساسی جدیدی که آوریل سال 1963 از طرف مجلس ملی فدراتیو یوگوسلاوی بتصویب رسید ، یا وضوح تمام نشان میدهد که دارودسته تیتو موضع رویزیونیستی خود را به هیچوجه تغییر نداده است . این قانون اساسی برنامه سرتاپا رویزیونیستی دارودسته تیتو را بصورت قانون باز هم بیشتر تأیید کرده است . کاردل طی گزارش خود درباره لایحه قانون اساسی جدید گفت که قانون اساسی جدید " مشخص کننده مفهوم برنامه اتحاد کمونیست های یوگوسلاوی در زمینه های سیاسی حقوقی و سازمانی میباشد " .

آنچه که انگیزه برادرانه نزدیک شدن خروشف به دارودسته تیتو و گرم و صمیمانه شدن مناسبات آنها بدین سبب نیست که دارودسته تیتو اشتباهات خود را تصحیح کرده است بلکه بدان علت است که خروشف بدنبال تیتو میرود .

بواقعات ذیل مراجعه کنید :

1 - تیتو که علیه استالین برخاسته است ، تلاش دارد از ریشه با مارکسیزم - لنینیزم مخالفت ورزد . خروشف که استالین را بکلی انکار کرده نیز تلاش دارد از بیخ و بن با مارکسیزم - لنینیزم مخالفت کند .

2 - هم تیتو و هم خروشف احکام اساسی مارکسیزم - لنینیزم را انکار میکنند و به کمونیست های چین و دیگر کمونیست های که روی مارکسیزم - لنینیزم پافشاری مینمایند ، حمله میکنند که گویا آنها " دگماتیستها " میباشد و تجدید نظر خود را در مارکسیزم - لنینیزم " پیشرفت خلاق " مارکسیزم - لنینیزم وانمود میسازد .

3 - هم تیتو و هم خروشف از سردمداران امپریالیزم امریکا تعریف کرده و برای آنها آفرین میگویند . تیتو میگوید که آیزنهاور " رجلی است که در دفاع از صلح کوشش میکند " . مساعی کندی " به بهبود مناسبات بین المللی و حل مسالمت آمیز مسائل مبرم جهانی کمک میکند " خروشف نیز میگوید که آیزنهاور " صمیمانه خواهان صلح میباشد " و کندی " توجه خود را به حفظ صلح مبذول میدارد " .

4 - هم تیتو و هم خروشف با تمام نیرو و ترور جنگ هسته ای را توصیه کرده تلاش دارند خلقهای جهان را بهراسانند تا آنها از مبارزات انقلابی دست کشند . تیتو میگوید که اگر جنگ هسته ای برپا شود ، این " منجر به نابودی بشر میگردد " . خروشف نیز میگوید که اگر جنگ هسته ای برپا شود ، " ما کشتی افسانه ای نوح یعنی کره ارض خود را نابود خواهیم ساخت " .

5 - هم تیتو و هم خروشف تجویز میکنند که در شرایطی که امپریالیزم وجود دارد ، میتوان باصطلاح جهان بدون اسلحه ، بدون ارتش و بدون جنگ را جامه عمل پوشاند .

6 - تیتو تبلیغ میکند که " همزیستی مسالمت آمیز فعال " " سنگ پایه " سیاست خارجی یوگوسلاوی میباشد . خروشف اعلام میدارد که " همزیستی مسالمت آمیز خط مشی اصلی سیاست خارجی " اتحاد شوروی میباشد .

7 - هم تیتو و هم خروشف تبلیغ میکنند که گویا امکان " گذر مسالمت آمیز از کاپیتالیزم به سوسیالیزم " افزایش یافته است . دارودسته تیتو میگویند که " بشریت از طرق گوناگونی بطور عمیق و جلوگیری ناپذیر وارد دوران سوسیالیزم میگردد " . خروشف میگوید که " راه پارلمان " میتواند جانشین راه انقلاب اکتبر گردد .

8 - تیتو اجرای انتگراسیون سیاسی و اقتصادی را در جهان از طریق " مسابقات مسالمت آمیز " تبلیغ میکند . خروشف نیز تحقق " همکاری همه جانبه " با امپریالیزم را از طریق " مسابقات مسالمت آمیز اقتصادی " تبلیغ میکند .

9 - دارودسته تیتو از هر حیث نهضت های آزادیبخش ملی و جنگ های آزادیبخش ملی را برهم میزند . خروشف به بهانه آنکه " هر جنگ محلی کوچکی میتواند منجر به جرقه ای شود که حریق جنگ جهانی را برافروزد " ، با نهضت های آزادیبخش ملی و جنگ های آزادیبخش ملی مخالفت میورزد .

10 - دارودسته تیتو دیکتاتور پرولتاریا را لغو کردند خروشف نیز با شعار دولت عموم خلقی " دیکتاتور پرولتاریا را لغو میکند .

11 - دارودسته تیتو منکر آنست که حزب کمونیست دسته پیشاهنگ طبقه کارگر میباشد . خروشف میگوید که حزب کمونیست اتحاد شوروی " حزب عموم خلقی " شده است .

12 - تیتو زیر پرده " خارج از بلوکه ها " علیه اردوگاه سوسیالیستی مبارزه میکند و خروشف نیز میگوید که " اصلاحات نظیر بلوکه ها پدیده موقتی است " . هر دو آنها میخواهند اردوگاه سوسیالیستی را لغو کنند .

و غیره و غیره .

مردم ازین واقعات فقط میتوانند به چنین نتیجه گیری ای برسند که خروشف چه در زمینه سیاست خارجی و چه در زمینه سیاست داخلی در واقع تیتو را معلم خود دانسته و قدم بقدم بدنبال وی در راه رویونیسم میلغزد .

خروشف به مارکسیزم – لنینیسم خیانت کرده اعلامیه سال 1960 را زیر پا گذاشته با دارودسته خائن تیتو همدست شده است . این با منافع اتحاد شوروی کاملاً مغایرت داشته و با مصالح مردم اتحاد شوروی و خلقهای سراسر جهان بکلی مغایر است . مردم کبیر اتحاد شوروی که دارای سنن پر افتخار انقلابی هستند و اکثریت مطلق اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی و کادریهای از درجات مختلف بهیچوجه بآن موافقت نخواهند کرد که خروشف با همدست شدن با دارودسته تیتو علیه احزاب برادر که روی مارکسیزم – لنینیسم پافشاری میکنند مبارزه نماید . مردم کبیر اتحاد شوروی و اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی هرگز موافقت نخواهند کرد که خروشف با دارودسته تیتو و امپریالیزم همدست شده و متوافقاً علیه چین ، آلبانی سوسیالیستی و دیگر کشورهای برادر مبارزه کرده و اردوگاه سوسیالیستی را برهم زند .

مردم کبیر اتحاد شوروی و اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی هرگز با آن موافقت نخواهند کرد که خروشف با دارودسته تیتو و مرتجعین کشورهای مختلف همدست شده علیه خلقهای کشورهای و انقلاب مبارزه کنند .

مردم کبیر اتحاد شوروی و اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی بهیچوجه با آن موافقت نخواهند کرد که خروشف از رویونیسم های یوگوسلاوی سر مشق گرفته خصوصیت حزب و دولت را تغییر داده و راهی برای بازگشت کاپیتالیزم بگشاید .

خروشف در آسمان نخستین کشور سوسیالیستی در جهان یعنی اتحاد شوروی ابرهای سیاهی بوجود آورده است ولی این امر در تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی و تاریخ اتحاد شوروی فقط پیشآمد ناچیزی است . آنهایی که فعلاً فریب خورده و گمراه شده اند ، سرانجام بتدریج آگاه خواهند گردید . تاریخ نشان داده و خواهد داد کسانی که میخواهند سمت پیشرفت مردم شوروی را عوض کنند ، فقط به آخذنگ های شبیه هستند که میکوشند با دست خود از حرکت عرابه جلوگیری کنند . چنین کسانی هرگز بر مرکب مراد خود سوار نخواهند شد .

نتیجه گیری مجمل

بازگشت سرمایه داری در یوگوسلاوی درس تاریخی جدیدی به جنبش بین المللی کمونیستی داد .

این درس نشان میدهد که پس از آنکه طبقه کارگر حکومت را بدست گرفت ، باز هم مبارزه طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریا وجود داشته و باز هم این مبارزه ایکه که برکه غالب خواهد شد یعنی مبارزه بین دوره سرمایه داری و سوسیالیزم وجود خواهد داشت و خطر بازگشت سرمایه داری موجود خواهد بود . یوگوسلاوی نمونه کامل العیار بازگشت سرمایه داری میباشد . این درس نشان میدهد که حزب طبقه کارگر نه تنها تا قبل از بدست گرفتن حکومت ممکن است بدست کارگران اشراف منش بیفتد و تا حزب بورژوازی انحطاط یابد و خدمت گزار امپریالیزم گردد بلکه پس از بدست گرفتن حکومت هم ممکن است بدست عناصر جدید بورژوازی افتاده تا حزب بورژوازی انحطاط یابد و فرمانبردار امپریالیزم گردد نمونه بارز چنین انحطاطی اتحاد کمونیست های یوگوسلاوی است .

این درس نشان میدهد که بازگشت سرمایه داری در کشور سوسیالیستی لازم نیست حتماً از طریق کودتای ضد انقلابی و یا تجاوز مسلحانه امپریالیزم صورت گیرد . بازگشت سرمایه داری در کشور سوسیالیستی همچنین میتواند از طریق انحطاط و قلب ماهیت گروه های رهبری آنکشور سوسیالیستی تحقق پذیرد . آسان ترین راه تصرف يك دژ از درون آن است . نمونه تیبیک آن یوگوسلاوی است .

این درس نشان میدهد که رویونیسم زائده سیاست امپریالیزم است . رویونیسم کهنه در اثر سیاست تطمیع امپریالیستی و پروراندن کارگران اشراف منش پدید آمد . رویونیسم معاصر نیز همینطور بوجود آمد . اکنون امپریالیست ها حیطة عمل این سیاست را وسیعتر ساخته و از هیچگونه تلاش برای تطمیع گروه بندی های رهبری کشورهای سوسیالیستی دریغ ندارند تا مگر بوسیله آنها سیاست " تحولات مسالمت آمیز " را که آنقدر بدان علاقه دارند ، جامه عمل بپوشانند . در این مورد یوگوسلاوی نمونه بارزی است و از همین روست که امپریالیزم آمریکا " نقش پیشاهنگ " را بآن و اگزار کرده است .

بازگشت کاپیتالیزم در یوگوسلاوی مارکسیست – لنینیستهای سراسر جهان را تیز بین تر کرده و بمردم کمک نمود تا ضرورت و تاخیر ناپذیری مبارزه علیه رویونیسم معاصر را روشنتر و عمیقتر دریابند .

ازین امر دیده میشود ، تا وقتی که در جهان امپریالیزم وجود دارد نمیتوان ادعا کرد که در کشور های سوسیالیستی دیگر خطر بازگشت کاپیتالیزم از بین رفته است .

رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی با سروصدا جار میزنند که در کشور شان خطر بازگشت سرمایه داری دیگر از بین رفته و ساختمان کمونیسم در جریان است . اگر واقعا اینطور باشد ، البته این مسرت بخش است . ولی آنچه ما دیدیم چنین است که رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی در رشته های مختلف از یوگوسلاوی سرمشق گرفته و در راه فوق العاده خطرناکی گام نهادند . این بسیار موجب نگرانی و اندوه ما است .

ما با احساساتی سرشار از علاقه ژرف باتحاد شوروی کبیر و حزب کمونیست کبیر اتحاد شوروی میخوایم از روی کمال صداقت و صفا بار دیگر رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی را مخاطب ساخته بگوییم : رفقا ، دوستان ، بهیچوجه نمیتوان در طریق یوگوسلاوی گام برداشت ! موقع به سر عقل آمدن است ! و گر نه دیر خواهد شد .